



گشردستجمعی زندانیان سیاسی

در صفحه ۱۲

دوره دوم - سال دوم - مهر ماه ۶۴ - قیمت ۲۰ ریال

شماره ۱۷

ویرانی خارک، آخرین نمره جنگ

را برای بکارگیری موشکهای اگزوست نداشتند. خلبانان عراقی از چندین ماه قبل برای پرواز با میراژ، در کشور فرانسه مورد تعلیم قرار گرفته بودند. مزیت میراژها در این است که قادر به پرواز در ارتفاع بسیار بالا هستند. در حملات اخیر، هدف گیری موشکهای اگزوست بوسیله کامپیوترهای مادر در عراق و با استفاده از اکوی بحرین و عمان و فرمان به کامپیوتر هواپیما صورت گرفت. هر پرواز هواپیما در چنین مأموریتی در حدود ۵۰۰/۰۰۰ دلار و پرتاب هر موشک در حدود ۴۰۰/۰۰۰ هزینه دارد. رژیم فسخلی عراق باصرف چنین هزینههایی به بمباران خارک ادامه میدهد و در هفته گذشته نوزدهمین حمله هوایی را اجرا کرد. در طول مدت حملات هوایی به خارک و از آغاز جنگ تا کنون این اولین بار است که صدور نفت از خارک متوقف میشود.

همچنین صدور نفت از محل ۱۲ میلیون بشکه نخیره نفت در ۴ مخزن جزایر سیری و با محاسبه بقیه در صفحه ۴

موج جدید حملات هوایی و تشدید بمباران اسکلههای خارک، سرانجام خسارات عظیمی را بر این مهمترین بندر صادرات نفت وارد آورد. در یازدهمین حمله هوایی رژیم جنایتکار عراق ترمینال H مورد اصابت قرار گرفت و نابود شد. صدور نفت از اسکلههای خارک از تاریخ ۶ مهر ماه متوقف شده است. بر اساس ارزیابی کارشناسان - اگر حمله جدیدی صورت نگیرد - وزارت نفت حداقل به ۶ ماه وقت برای تعمیر اسکلهها و صدور روزانه ۱ میلیون بشکه نفت، احتیاج دارد. در همین حال سرفرماندهی ارتش عراق اعلام کرده است بمنظور جلوگیری از تعمیر مجدد، بمباران اسکلهها ادامه خواهد یافت. خارک دارای دو ترمینال T و یک ترمینال H است که ظرفیت ترمینال H بیشتر از دو ترمینال دیگر است. در حملات اول یکی از ترمینالهای T مورد هدف واقع شد و در یازدهمین حمله که با ۱۸ فروند هواپیما صورت گرفت ترمینال H بنابودی کشانده شد. هواپیماهای میراژ جایگزین سوپراتاندارها شدهاند که کارآیی لازم

برای نجات اعصاب کارگران از محاصره رژیم

بطور پیگیر و خستگی ناپذیر ضرورت متشکل شدن کارگران را توضیح دهند و برای بوجود آمدن چنین تشکلی مبارزه کنند. به کارگران یاری دهند تا نیروی خود را متشکل سازند. کارگران بیش از هر چیز از عمل مستقیم خود درس بگیرند. طبقه کارگر در حرکت و مبارزه خودبیش از هر زمانی به ضرورت متشکل شدن و حرکت سازمان یافته پی میبرد. کمیته های سازمان باید با جمع بندی نقاط قوت و ضعف مبارزه کارگران واحدهای مختلف به کارگران یاری دهند تا از تجربه مستقیم خود و کارگران واحدهای دیگر بهره بگیرند. به ضعفها و قوت های حرکت خود عمیقتر پی ببرند، تجربه بیاندوزند و تجارب اندوخته شده در عمل را دستمایه حرکت نیرومندتر آتی خود سازند.

کارگران صنعت نفت سنتها و گذشته درخشانی در مبارزه متشکل و سازمان یافته دارند. حکومت ضدکارگر جمهوری اسلامی بخوبی به این امر واقف است بهمین دلیل تلاش میکند مبارزه و اعتصاب کارگران هر موسسه را در چاردیواری آن محاصره بقیه در صفحه ۴

* در سرزمین ولایت فقیه *

در صفحه ۸

* انقلاب در آفریقای جنوبی، بار دیگر تاکتیک

در صفحه ۷

«انتقال آرام قدرت»

* تجربه ای از مبارزه خانواده های زندانیان سیاسی

در صفحه ۵

در راه صلح - کار - آزادی مبارزه کنیم

فدائی

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

گشتمکش بر سر غارت دسترنج توده ها

نمایش انتخابات رئیس جمهور و تحولات پس از آن دو جنبه مهم و برجسته جامعه امروز ایران را به روشنی تمام به نمایش گذاشت. یکی عمق و وسعت ناراضی توده ها و دیگری رشد تضادهای درونی حکومت جمهوری اسلامی.

در مورد اول کافی است توجه کنیم که این بار به اقرار خود رژیم حدود ۱۴ میلیون نفر، یعنی حدود ۴ میلیون نفر کمتر از ۴ سال پیش به پای صندوقهای رای گیری کشانده شدند و این در حالی است که با توجه به ضریب افزایش جمعیت و کاهش سن رای دهندگان به پانزده سال ۵ میلیون نفر به واجدین شرایط افزوده شده بود. به سخن دیگر جمعیت ۴۰ میلیونی ایران با توجه به سن رای دهندگان ۲۸ میلیون رای دهنده داشته که بنا به اعتراف خود رژیم ۵۰ درصد آنان انتخابات را تحریم کرده اند و بخش مهمی از رای دهندگان نیز آراء باطله به صندوقها ریخته اند. اما بدیهی است در نظام جمهوری اسلامی که نظام دروغ و عوامفریبی است دامنه تحریم بسی فراتر از آنچه رژیم پذیرفته، بوده است. این تحریم فقط نشانه وسعت ناراضی های عمومی که در همه جا بچشم می خورد، نیست بلکه مهمتر از آن نشانه آنست که اکثریت توده ها تسلیم ارباب و تهدید رژیم و این که اگر شناسنامه ها به مهر انتخابات مزین نگردد انتقام آن گرفته خواهد شد نمی گردند و حاضرند بهای نرفتن به پای صندوقها و نشان دادن مخالفت خود را با رژیم بپردازند. این تحریم بیانگر آن است که دیگر تیغ مساجد حملات و انجمن های اسلامی کارخانجات و محلات که وظیفه زیر نظر گرفتن و ارباب توده ها را برعهده دارند، نمی برد و مردم برای جاسوسی ها و خط و نشان های آنها تره خرد نمی کنند. بنابراین، این تحریم گسترده خبر از رشد روحیه مبارزاتی توده ها، انزوای مرچه بقیه در صفحه ۲

«وظایف و ساختار

گروه های هوادار سازمان»

هم اینک اعضاء و هوادارانی از سازمان ما در ایران حضور دارند که بنا بدلائل مختلفی در واحدهای پایه ای سازمان، سازماندهی نشده و رابطه تشکیلاتی آنها با سازمان قطع و یا دچار اختلال جدی است. در این میان کم نیستند رفقای که تازه به صفوف سازمان پیوسته و خواستار شرکت در مبارزات سازمان ما هستند ولی آنها نتوانسته اند در پیوند تشکیلاتی با سازمان قرار بگیرند. این وضع سبب شده است که سازمان از انرژی قابل توجه بخشی از نیروهای رزمنده و پرشور خود نتواند شمر دلخواه را بدست آورد. رفع این مشکل برای سازمان که در جهت وحدت مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن، برای سرنگونی رژیم جمهوری بقیه در صفحه ۶

کشمکش بر سر غارت دسترنج توده‌ها بقیه از صفحه

بیشتر رژیم و شکسته شدن جو تهدید و اربابی که رژیم حاکم ساخته بود می‌دهد و بنوبه خود بحران سیاسی و اختلافات درونی رژیم را تشدید می‌کند. تضادهای درون دستگاه حاکمه و جناحهای رقیب جنبه دیگری است که در جریان انتخابات و تحولات بعد از آن به رغم تلاشهای پرده‌پوشانه رژیم و اندرزهای ولایت فقیه بار دیگر از پرده برون افتاد و نشان داد که بحران سیاسی رژیم همچنان رو به گسترش و تعمیق است.

از هنگام قطعی شدن انتصاب مجدد خامنه‌ای توسط خمینی در مرداد ماه، جنگ قدرت متوجه کابینه گشته است. این جنگ که در گذشته نیز همواره وجود داشت، این بار چه بلحاظ گستردگی صحنه نبرد و چه بلحاظ شدت و حدت و چه از نظر علنی شدن آن، از هنگام سقوط بنی‌صدر تاکنون بیسابقه بوده است.

در یکسوی صحنه مخالفان کابینه موسوی قرار گرفته‌اند که عمدتاً خواستار آزادی عمل هر چه بیشتر بخش خصوصی، سپردن کارخانجات و بنگاههای دولتی شده به بخش خصوصی، عدم دخالت دولت در امور تولید و توزیع و محدود کردن نقش آن در حد "ناظر" هستند.

تجار بازار و صاحبان صنایع که در چند ساله گذشته از طریق استثمار و غارت بی‌حد و حصر، سرمایه‌های افسانه‌ای اندوخته‌اند، اینک برای تثبیت مواضع اقتصادی خود و "امنیت کسب و کار" خویش خواهان سهم بیشتری در قدرت سیاسی و در اختیار گرفتن مواضع اقتصادی گسترده‌تر و سودآورتری هستند. این نیرو که از موضع طبقاتی کاملاً روشن و مشخصی حرکت می‌کند از جانب بخش مهمی از مدرسین حوزه علمیه قم که توسط مهدوی کنی، خزعلی، یزدی و آتری قوی رهبری می‌شوند و نیز از جانب شورای نگهبان، جناح نیرومندی از حزب جمهوری اسلامی و بخشی از مسئولان اجرائی و قضائی و جناحی از مجلس، حمایت می‌شود.

در سوی دیگر صحنه عمدتاً بورژوا - بوروکراتهایی هستند که سهم خود را از غارت و استثمار مردم از طریق بنگاهها و موسسات دولتی شده (مانند بنیاد مستضعفان، صنایع گسترش و صدها بنگاه تولیدی و خدماتی دیگر دولتی) کسب می‌کنند و قدرت سیاسی خود را نیز با تکیه بر همین بخش دولتی حفظ می‌نمایند.

این نیرو نیز هم در حوزه علمیه، هم در مجلس و حزب جمهوری اسلامی و هم در نهادهای اجرائی و قضائی رژیم دارای پشتیبانی وسیع و گسترده است. این جناح که در چهار سال گذشته در کابینه و در کل دستگاه دولت دست بالا را داشته مسئول مستقیم همه فجایع و جنایاتی است که ایران را به ویرانی و اکثریت مردم آن را به فقر و فلاکت کشانده است.

ویژگی تضاد و کشمکشی که در درون رژیم بر سر منافع اقتصادی و قدرت سیاسی در جریان است آن است که هیچ نهاد و دستگاه حکومتی از این درگیریها بری نیست. و هیچ یک نیز بجز شورای نگهبان که بطور مشخص از سپردن صنایع دستگاههای دولتی به تجار بازار و از عدم دخالت دولت در

کنترل تولید و توزیع حمایت می‌کند، بطور مشخص سنگر انحصاری هیچ یک از دو جناح نیست. به سخن دیگر هر یک از دو جناح در همه نهادهای رژیم حتی در حزب جمهوری اسلامی دارای مواضع و حامیان مستحکمی است. و این موجب نوعی تعادل فلج کننده شده است که از یکسو تنها حزب قانونی و حاکم را در معرض تلاشی قرار داده و همه نهادهای دیگر رژیم را دستخوش فرسایش ساخته و از سوی دیگر در بسا موارد قدرت تصمیم‌گیری را از کلیت رژیم و تک‌تک نهادهای آن سلب کرده است. این حالت فلج و درماندگی بویژه در شرایطی که رژیم با معضلات عظیم اقتصادی و سیاسی و جنگی تمام عیار درگیر است، تشدید می‌شود.

این وضعیت سبب شده است که در شرایط جنگ، وزارت دفاع و وزارت راه و ترابری و بودجه و برنامه‌ریزی به مدت ۸ ماه بی‌سرپرست باشد و هیچ‌یک از دوطرف نتوانند برای انتصاب وزرای این سه وزارتخانه به توافق برسند.

از هنگام انتصاب مجدد خامنه‌ای بدینسو کانون اصلی جنگ، کابینه و سرنوشت آن بوده است. یک طرف (مخالفان دخالت دولت در کنترل تولید و توزیع) خواستار برکناری موسوی و تشکیل کابینه‌ای جدید منطبق با منافع و سیاستهای خویش است. در حالی که طرف دیگر از کابینه موسوی دفاع می‌کند و تنها خواستار اصلاح آن در جهت منافع بورژوازی بوروکرات و کنترل و دخالت دولت در امر تولید و توزیع است. مخالفان کابینه، دولت را "القطاقتی"، "غیرمکنشی"، دارای "گرایش به دولت سالاری" و "بی‌کفایت" دانسته و آن را موجب رکود اقتصادی و عدم رشد تولید معرفی می‌کنند.

کابینه موسوی در پاسخ به این حملات که بطور علنی و وسیع ادامه یافته به نحو بیسابقه‌ای به "پرده‌داری" متوسل شده و در ۶ هفته گذشته با تمام قوا از طریق روزنامه‌های رسمی کشور از خود دفاع کرده و به مخالفان تاخته است.

سرحدی‌زاده که تجربه به بند کشیدن و سرکوب کارگران را در جریان سرپرستی زندانهای رژیم و گشتارهای دسته‌جمعی زندانیان سیاسی کسب کرده و از این راه راه برای تصدی وزارت کار در کابینه موسوی آماده شده است، طی مصاحبه‌ای که کیهان بنحوی جانبدارانه و با تیتیر "پاسخ شدیداللعن وزیر کار به انتقادات برخی از کاندیداهای ریاست جمهوری" به چاپ رسانده در دفاع از منافع بورژوازی بوروکرات و کابینه‌ای که آن را نمایندگی می‌کند عوام‌فریبانه چنین می‌گوید: "ما نمی‌توانیم اموال ثابت پاسبانها، القانیانها و صدها طاغوتی دیگر را که امروز دولت اسلامی به موجب تکلیف انقلابی موظف به اداره آنها شده به دست بخش خصوصی بدهیم... امروز دولت‌های استبدادی خواستار حاکمیت بخش بازرگانی بر سیاست کشور هستند، یعنی دوستدار این هستند که قدرت سیاسی در دست بخش بازرگانی باشد و برای همین است که می‌بینیم مدام این اعتراضها از ناحیه بخش بازرگانی و خدمات به دولت اسلامی می‌شود که شما ناتوانید، اقتصاد را چنین کردند و صادرات را چنان..." (کیهان ۲ شهریور)

در همین رابطه نخست‌وزیر به کسانی که کابینه را به "دولت‌سالاری" متهم می‌کنند حمله کرده چنین پاسخ می‌دهد: "حتی در کشورهایی مثل امریکا و انگلستان در شرایط جنگ اداره کنترل دقیق قیمت‌ها بوجود می‌آید... و این در مهد اقتصاد آزاد (که ما قبولش نداریم) است. در آن کشورها در زمان جنگ مالیات سه‌برابر می‌شود. دولت جمهوری اسلامی بخاطر ۲/۴ میلیارد تومان مالیات که از مشاغل وصول می‌کند دائم مورد انتقاد و اتهام است... آیا وصول این مالیات ناچیز دولت‌سالاری است...؟ ما چگونه می‌توانیم مبادلات خارجی کارخانجاتی (که از مفسدین گرفته شده و در اختیار دولت قرار گرفته است) را که ۲۶ درصد مبادلات خارجی کشور را تشکیل می‌دهد در اختیار آنان قرار دهیم...؟" (کیهان ۲ شهریور)

هنوز یک هفته از این اظهارات نگذشته است که خامنه‌ای می‌گوید: برای از میان بردن رکود اقتصادی باید "ابتکارات مردم" را برانگیخت... و "با گرایش دولت‌سالاری که متأسفانه وجود دارد مبارزه کرد." سخن او متوجه کابینه و اظهارات موسوی و وزرای او است. بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین به اتهام دولت‌سالاری و مساله سپردن "ابتکارات به مردم" که توسط خامنه‌ای مطرح شده چنین پاسخ می‌دهد: "بعضی از آقایان شاید نمی‌دانند که ما اگر فقط دولت‌سالاری را نفی کنیم ولی به تمرکز و تداول ثروت در دست یک قشر خاص توجه نکنیم ده سال دیگر چه آینده‌ای انتظار ما را می‌کشد؟... واحدهای تحت‌پوشش معادن و فلزات جاذبه‌ای برای آن مردم خاص که مد نظر آقایان است ندارد. ذوب‌آهن را الان کسی نمی‌خواهد. معادن بزرگ مملکت که دولت بعضاً دارد روی آن سوسید می‌دهد کسی نمی‌آید ببرد، "ایران خودرو" را می‌خواهد که سالانه ۶۰۰ میلیون تومان سود از آن ببرد. آن موقع آنجا هم عیبی ندارد که دولت‌سالاری باشد... اما بقیه آتھائی که سود دارد و کنترلی هم روی آن نیست به دست آن مردمی که مد نظر آقایان است بیفتد..."

دعوی هر دو جناح بر سر لحاف ملانصرالدین است. هر دو طرف می‌خواهند صنایع و بنگاههای تولیدی و خدماتی بیشتری را در چنگ خود نگه‌دارند و در این تلاش هر دو جناح وقیحانه می‌کوشند خود را دلسوز و غمخوار مردم و کشور جا بزنند. چیزی که مدهاست که حتی کورترین آدمها را نیز نمی‌فریبند.

در این گیرودار دفتر تحکیم وحدت و انجمن های اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی به حمایت از کابینه موسوی برانگیخته می‌شوند و کیهان ضمن انتشار سرمقاله‌ها و مصاحبه‌هایی مفصل حمایت از کابینه و علیه جناح رقیب، به انتشار روزانه حمایت و پشتیبانی انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت می‌پردازد. در برابر این تلاشها خامنه‌ای واکنش نشان می‌دهد و در جریان سفر به مشهد می‌گوید: "مطبوعات جو را سالم نگه‌دارند تا من خودم تصمیم بگیرم... مردم انتظار اصلاح دارند و من با صراحت و بدون رودربایستی در مورد انتخاب بقیه در صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

کشمکش بر سر غارت ... بقیه از صفحه ۲
دولت و بقیه مراحل اقدام خواهم کرد! (کیهان ۱۰ شهریور)

اما موازنه قوا میان دو جناح بگونه‌ای است که مساله به آسانی قابل حل نیست و همین امر باعث می‌شود تا بحران حکومت در هر صورت و با هر تغییری بطور مؤمن ادامه یابد.

در اواخر شهریور خامنه‌ای کوشید میرسلیم را بعنوان نخست‌وزیری که مورد حمایت هر دو جناح باشد به مجلس بقبولاند، اما طرفداران دخالت دولت در کنترل تولید و توزیع (بورژوازی بوروکرات) مخالفت صریح خود را با او بیان داشتند برخی از مجلسیان مخالف کابینه نیز مهدوی کئی را بعنوان نخست‌وزیر آینده پیشنهاد کردند. اما او نیز با مخالفت شدید جناح مخالف مواجه است. در جلسه ۲۶ شهریور ماه مجلس، موحدی ساوجی در دفاع از رئیس جمهور اعلام داشت: "ما وقتی می‌بینیم امام امت... به ریاست جمهوری... این آزادی و میدان را می‌دهند ما هم باید این اختیار را به رئیس جمهوری بدهیم... تا واقعا آنچه را که در رابطه با نخست‌وزیر و هیات دولت تشخیص می‌دهد عمل کند... بایستی از هرگونه گروه‌گرایی باندبازی و جوسازی نادرست و ناجور و برچسب‌زنی‌ها بعهیره‌های بسیار بزرگ و درخشانی مانند ریاست‌محترم جمهوری خودداری کرد و در یک جو سالم و آرام باید گذاشت که هم رئیس جمهور و هم مجلس و همه مسئولان در این رابطه تصمیم مقتضی بگیرند."

در پاسخ نماینده تبریز در همین جلسه چنین می‌گوید: این که "اجازه بدهیم به آقای رئیس جمهوری که هر که را برای نخست‌وزیری انتخاب کند اگر منظور از این جمله همان است که قانون اساسی گفته، خوب کسی چنین اختیار و اجازه‌ای را از آقای رئیس جمهور نمی‌تواند سلب کند و اگر منظور این است که جوی ساخته شود که آقای رئیس جمهور یک نفری را معرفی کند که رای آوردنش از همین حالا آسان باشد، این خلاف شرع است. ما حرف خردمان را خواهیم زد... و آن کسی که در ماجراها سپاه را محکوم کرده و منافقین را حاکم کرده (میرسلیم) ما بعنوان نخست‌وزیری نمی‌پذیریم. فرد ضعیف را نمی‌پذیریم و این وظیفه نمایندگی است. اگر منظور این است که از حالا زمینه‌چینی شود ما زیربارش نمی‌رویم."

رضوی در ادامه سخنانش با وقاحت و فریبکاری نفرت‌انگیزی که فقط در خور مزدوران رژیم جمهوری اسلامی است، موضع مخالف سرمایه‌داران و طرفدار توده‌ها می‌گیرد و جناح مخالف را از زیاده‌خواهی که ممکن است "فکر چپی و کمونیستی" را در جامعه دامن زند می‌ترساند و می‌گوید: "این چه غوغایی است که در این کشور در دفاع از بازار و سرمایه‌داری راه افتاده. این چه برخوردی است برای تعیین نخست‌وزیر! میرحسین مظلوم تقصیرش این است که فقط طرفدار مستضعفین بوده، آن هم اگر مجال می‌دادند. حالا شده دولت‌سالاری کدام دولت‌سالاری؟... اگر منظور از دولت‌سالاری مزاحمت برای آن میلیاردرها و سرمایه‌دارانی که نه تنها از سرمایه خودشان می‌خواهند استفاده کنند بلکه می‌خواهند از همه امکانات این بیت‌المال برای

چاپیدن مردم استفاده کنند... این که دولت‌سالاری نمی‌شود... نخست‌وزیری که نوکر سرمایه‌دارها بشود برای این انقلاب نمی‌تواند کار کند... اگر اینطوری

برویم یک روزی فکر چپی و کمونیستی در این کشور رشد می‌کند. وقتی بیشتر بطرف راست رفتیم چپ رشد می‌کند."

جنگ بر سر کابینه در آخرین روزهای شهریور و اوایل مهر به اوج خود می‌رسد. حجت‌الاسلام کروی در مجلس رژیم را از خطر توطئه تجار و سرمایه‌داران فراری که می‌خواهند همه چیز را در چنگ خود بگیرند تا در آینده ریشه نظام جمهوری اسلامی را برکنند. می‌ترساند. نامه سرگشاده دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها به مجلس شورای اسلامی در مورد انتخاب نخست‌وزیر در نماز جمعه‌ها توزیع می‌گردد و در کیهان (اول مهر) به چاپ می‌رسد. در این نامه از کابینه موسوی و سیاست آن بطور کامل دفاع می‌شود و از دیگران نیز دعوت می‌شود که به حمایت از کابینه برخیزند.

در مجلس میان نمایندگان دو جناح زد و خورد می‌شود. محمد رشیدیان در جلسه علنی ۳۱ شهریور مجلس در یک سخنرانی احساساتی چنین می‌گوید: "برای من سوال است که جناب رئیس جمهور چگونه در حضور امام فرمودند یکی از بزرگترین مشکلات ما دولت‌سالاری است؟ آن برخوردهایی که باعث شد بسیاری از مالکین، فنودال‌ها، و سرمایه‌دارها برگردند و یا مدارسی که الان تخلیه می‌شوند... همه اینها امت حزب‌الله را نگران می‌کنند که گروهی بطور خرنده دارند انقلاب را می‌بلعند" (کیهان ۳۱ شهریور) در همین جلسه فاضل هرندی در دفاع از کابینه موسوی و مخالفت با جناح رقیب چنین می‌گوید: "کسانی که گاهی اسمشان سر زبانها می‌آید و ما روی آنها شناخت مختصری داریم هیچ کدام را بقوت دولت فعلی نمی‌یابیم... اگر منظور از دولت‌سالاری مساله سهمیه‌بندی کردن بعضی از کالاها و... یا شرکت در تعاونی‌ها باشد... این را نمی‌توان دولت سالاری نامید" (کیهان ۳۱ شهریور)

به رغم همه دفاعی که از کابینه موسوی می‌شود رئیس جمهور و جناح او در حزب جمهوری اسلامی و دیگر مخالفان کابینه همه تلاش خود را برای کنارزدن دولت موسوی بکار گرفته‌اند. اما مخالفت گسترده جناح رقیب و دفاع آن از کابینه موسوی تا به امروز راه را بر پیشروی بیشتر بورژوازی تجاری و برکناری کابینه تا حدود زیادی سد کرده است. این جناح می‌کوشد خمینی را از موضع بیطرفی و سردرگمی در آورده و با نشان دادن اینکه هنوز نیروی اصلی حکومت است. او را به حمایت از کابینه موسوی برانگیزد و بدینوسیله کابینه کنونی را تثبیت نماید.

هر دو جناح ضدانقلابی حاکم در پی ثروت و قدرت بیشتر برای دریدن رقیب چنگ و دندان تیز می‌کنند و آماده‌اند تا در فرصت مناسبی گلوی یکدیگر را بچوند. اما واقعیت آن است که هیچ یک قادر نیست دیگری را از صحنه براند و هیچ یک نیز به حکم طبع درنده و ذات زیاده‌خواه و حریص خود حاضر نیست لحظه‌ای از کشمکش و توطئه بر سر منافع و موقعیت‌های اقتصادی و

سیاسی دست بردارد. خمینی درمانده‌تر از هر زمان دیگر جنگی را که به رغم تمایل و اراده او بر اساس تضادها و تعارضات موجود، در جریان است نظاره می‌کند و به آسانی گذشته قادر نیست با یک فرمان همه را پیرامون "مصلح" و "منافع" اسلام ساکت سازد چرا که آنجا که منافع و مصالح طبقاتی متضاد عمل می‌کند، حجت‌الاسلام‌ها و آیت‌الله‌ها، وحدت کلمه و اتحاد صوری و شایادانه‌شان را کنار می‌گذارند از جلد فریبنده پیکر واحد روحانیت بیرون می‌آیند، مقلد امام بودن و تابع ولایت فقیه بودن را فراموش می‌کنند و شک‌های فزیه یکدیگر را می‌درند. هر کس و هر جناح منافع اقتصادی و سیاسی خود رد بر "مصلح اسلام" مقدم می‌سازد و بدینسان ولایت فقیه آچمز می‌شود.

ترکیب کابینه رژیم و سایر نهادهای آن و مهمتر از آن سیاست‌هایی که در پیش خواهد گرفت به هیچ روی نمی‌تواند چیری جز نتیجه برآیند دو نیرویی که رویاروی هم قرار گرفته‌اند باشد. از این رو است که ترکیب کابینه هر چه باشد خود نتیجه بحران سیاسی است و در عین حال خود نطفه بحران آینده است. هیچ معجزه‌ای قادر نیست از گسترش و تعمیق نزاع میان دو دسته دزد که بر سر سهم بیشتری از ثروت‌های به یغما رفته می‌جنگد و هیچ یک توان بیرون کردن دیگری را از صحنه ندارد، جلوگیری نماید. نقش خمینی در تخفیف تضادها و تعارضات هر چند که هنوز از میان نرفته، اما بشدت کاهش یافته است. دخالت‌های او چون آبی بر آتش وسیع و خاموش ناشدنی تنها می‌تواند تاثیراتی آبی، مقطعی و محدود داشته باشد. اگر امروز هم خمینی برای حل مسئله دخالت کند، دخالت او در اساس مسئله چیزی را تغییر نخواهد داد. دعوا در هر صورت ادامه خواهد یافت.

علاوه بر منافع اقتصادی و سیاسی متضاد جناح‌های حاکم که سرمنشاء اصلی بحران سیاسی رژیم جمهوری اسلامی است، بحران اقتصادی جامعه، مشکلات بیسابقه ارزی، جنگ و رشد بیسابقه نارضایتی توده‌ها که در جریان تحریم نمایش انتخاباتی شاهد آن بودیم، همه و همه زمینه‌هایی نیرومند برای رشد تضادهای درونی حکومت جمهوری اسلامی هستند. ادامه این وضعیت رژیم را از درون و بیرون می‌فرساید و توان آن را در سرکوب جنبش توده‌ای و حل معضلات اقتصادی و سیاسی

و پیشبرد سیاست‌های جنگی آن کاهش می‌دهد و عوامل موثر در رشد جنبش توده‌ای در پائین را تقویت می‌کند. افشای هر دو جناح ارتجاعی و ضدانقلابی جمهوری اسلامی، نشان دادن ماهیت ارتجاعی دعوای هر دو جناح و همچنین استفاده هشیارانه و گسترده از اختلافات و کشمکش‌های فرابنده درونی رژیم در زمینه افشاگرهای سیاسی در میان توده‌ها، در کاهش قدرت سرکوب رژیم و افزایش روحیه مبارزجویی توده‌ها تاثیرات مثبت بجای می‌گذارد و تدارک سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تسریع می‌کند. ●

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

ویرانی خارک، بقیه از صفحه ۱

صدور روزانه ۱ میلیون بشکه، فقط بمدت ۱۲ - روز می‌تواند ادامه یابد. رژیم، همچنین ۲۰۰ هزار تن نفت بطور روزانه صادر می‌کند. این مقدار نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فزاینده اقتصاد بحران زده رژیم به کسب درآمدهای ارزی باشد. هم‌اکنون در نتیجه کاهش عظیم منابع ارزی، رژیم جمهوری اسلامی، ارز مورد نیاز تجار و موسسات دولتی ذریبط در امر واردات را در بسیاری عرصه‌ها به حداقل رساند، و در پاره‌ای موارد نیز بطور کامل قطع کرده است. موسسات و شرکت‌های غربی، کالاها و مواد مورد نیاز تجار و موسسات ایرانی را فقط در صورت تضمین پرداخت بدهی آنان توسط يك بانک خارجی، تحویل می‌دهند. این تضمین را بانک ملی ایران شعبه لندن بعهده گرفته است که بدهی‌های موسسات و تجار وارد کننده را بعدا پرداخت نماید. در حال حاضر نه تجار و موسسات وارد کننده و نه بانک ملی، از لازم را در اختیار ندارند. نوربخش رئیس بانک مرکزی ایران برای پرده‌پوشی این وضعیت وخیم اقتصادی رژیم در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره کاهش موجودی ارزی رژیم، در مصاحبه خود اظهار داشت " برخلاف شایعات استخبار جهانی ما می‌توانیم ارز همه خریدهای خود را تامین کنیم و اینکه در مضیقه ارزی هستیم و یا می‌خواهیم وام بگیریم، دروغ است."

در چنین شرایطی که ادامه جنگ، ضربات و خسارات عظیم و جبران ناپذیری را بر موسسات اقتصادی و منابع ملی مردم ایران وارد می‌آورد، رژیم جمهوری اسلامی، همانند رژیم ضد مردمی و دیکتاتوری حاکم بر عراق، با دامن زدن به ماجرا جوشی‌های نظامی در خلیج فارس دست به آتش افروزی در منطقه، فراهم آوردن زمینه‌های گسترش تروری و هموار کردن راه تشدید نفوذ و حضور برای نجات اعتصاب‌کارگران بقیه از صفحه ۱ و سرکوب سازد و تمام نیروی شیطانی خود را بکار میکشد تا حرکت کارگران يك واحد را از چشم واحد- های دیگر مخفی نگه دارد. کارفرمایان غارتگر و جنایتکار در مبارزه ضدکارگزاران بر حمایت کامل رژیم ددمنش خمینی و نیروهای سرکوب آن تکیه دارند. مزدوران سپاه و کمیته با يك تلفن ساده کارفرما بسرعت خود را به کارخانه می‌رسانند و از هیچ جنایتی بر علیه کارگران دریغ نمیکنند.

کارگران در مبارزه‌شان بر علیه دشمن خونخوار بیش از هر چیز به نیروی طبقه خود می‌توانند و باید متکی باشند. می‌توانند و باید روی پشتیبانی کارگران واحدهای دیگر و یاری کمونیست‌ها حساب کنند. اما این پشتیبانی باید کسب شود و برای کسب آن باید فعالانه و مستمر تلاش کرد. در این مورد قضیه بسادگی تلفن کردن نیست. کارگران باید پا به پای کار روشنگرانه در میان همکاران واحد خود، روابطشان را با کارگران واحدهای دیگر توسعه دهند.

در این مورد کارگران نفت از زمینه بسیار مساعدی برخوردارند. در صنعت نفت رشته‌های زیادی کارگران يك واحد را به کارگران واحدهای دیگر پیوند میزند. این رشته‌ها را باید تقویت کرد. بویژه در جریان اعتصاب همانقدر که تبلیغ و روشنگری در میان فرد فرد کارگران واحد اعتصابی برای جلب حمایت و پشتیبانی و شرکت فعال آنها در اعتصاب، توضیح اهداف اعتصاب و افشاء تاکتیک‌های دشمن برای

امپریالیسم آمریکا در منطقه زده است. رژیم جنک افروز در اقدامات آتش‌افروزانه متقابل، دست به تهدید و شانتاژ درباره گسترش جنک و مداخله نظامی در منطقه میزند. رژیم که از یکسو برای جلب حمایت ارتجاع منطقه و برحذر داشتن آنان از کمک به رژیم صدام، به گسترش رابطه و امتیازدهی به ارتجاع و امپریالیسم را پیش می‌برد، از سوی دیگر در همانحال از تهدید به گسترش جنک نیز خودداری نمی‌ورزد. هاشمی رفسنجانی در تهدید کشورهای منطقه می‌گوید " اگر روزی شیرهای نفت ما بسته شود کاری می‌کنیم که شیرهای نفت دیگران نیز بسته شود" و اضافه می‌کند که " اگر خلیج فارس برای ما قابل استفاده نشود، آنطرفها کسی دیگر سالم نمی‌ماند". خامنه‌ای نیز در همین زمینه آتش افروزی تهدید می‌کند. که " اگر صادرات نفت ما بخطر افتاد، نخواهیم گذاشت از هیچ بندری در خلیج فارس نفت صادر شود". ناخدا، ملک‌زادگان فرمانده نیروی دریایی رژیم، بعنوان نیروی اجرائی این تهدیدات عنوان نمود که " در صورت بخطر افتادن صادرات نفتی ما، امنیت خلیج فارس دیگر معنی نخواهد داشت."

رژیم جمهوری اسلامی در اجرای برنامه‌های ماجراجویانه خود در خلیج فارس کشتیهایی را که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، متوقف و مورد بازرسی قرار می‌دهد و تاکنون نزدیک به ۴۷ کشتی مختلف را توقیف و مورد بازرسی قرار داده و محموله بسیاری از این کشتیها را نیز ضبط کرده است. هم‌اکنون نیز دهها کشتی، پشت تنگه هرمز در انتظار بازرسی توسط نیروهای ایرانی هستند. بعلاوه سپاه پاسداران و بسیج ضد مردمی، اقدام به تهیه قایق‌های تندرو و هواپیماهای کوچک و سبک نموده و عده‌ای را نیز برای انجام عملیات انتحاری در خلیج فارس تعلیم داده‌اند. همچنین گفته میشود که رژیم، تعدادی از موشک‌های هاربول سرکوب اعتصاب، اهمیت دارد، درست بهمان میزان نیز چنین روشنگری و توضیحی برای کارگران واحدهای دیگر و کارخانجات دیگر ضروری است. هر قدر تعداد بیشتری از کارگران فعالانه برای توضیح و جلب حمایت کارگران کارخانه دیگر مشارکت کنند و برای اینکار وقت و انرژی صرف کنند درست بهمان میزان برای موفقیت اعتصاب و موفقیت‌های آتی طبقه‌اشان و تحکیم همبستگی جنبش خود کار کرده‌اند. موفقیت یا شکست هر حرکت کارگری مستقیماً " روی حرکت دیگر کارخانه تاثیر دارد. طبقه کارگر تنها با همبستگی خود میتواند با قدرت، رژیم ددمنش خمینی را قدم بقدم به عقب نشینی وادارد و با شایستگی از امتیازات کسب شده در نبرد برای گسترش

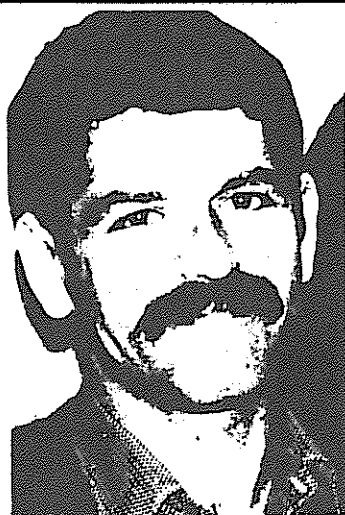
دستاوردهایش بهره بگیرد. کمونیست‌ها در جریان حرکات کارگری بیش از هر زمان دیگری فرصت می‌یابند تا پیوندشان را با جنبش کارگری تقویت کنند و به متحد شدن صفوف کارگران یاری رسانند. اعلامیه یا تراکتی که به پشتیبانی از حرکت کارگران يك واحد پخش میشود و خواست‌های کارگران آن واحد را مطرح می‌سازد، و کارگران بخش‌های دیگر را به پشتیبانی از کارگران اعتصابی دعوت میکند و تجربه يك بخش را به بخش‌های دیگر منتقل می‌کند، دهها و صدها بار بر بخش‌تراز اعلامیه‌های معمولی است. کارگران در جریان اعتصاب از هر سو مورد تهاجم و بیرونش مزدوران رژیم قرار میگیرند و بیش از هر زمان به

خود را برای حمله به کویت نخیره کرده است. نیروی هوایی عربستان و کویت نیز بدنبال حملات هوایی به خارک و تشدید تهدیدات سران رژیم، در حال آماده‌باش کامل بسر می‌برند. در چنین شرایط انفجاری آمیزی منابع وابسته به دولت آمریکا اعلام کرده‌اند که " ریگان مصمم است در صورت اقدام ماجراجویانه جمهوری اسلامی در بستن تنگه هرمز عبور و مرور کشتیها را با دخالت در خلیج فارس تامین کند". ریگان، این سرکرده امپریالیست‌های جنایتکار و مداخله‌گر، آماده است تا با استفاده از شرایط ناشی از ادامه و گسترش جنک ایران و عراق و با استفاده از موقعیت‌ها و بهانه‌هایی که رژیم جنک‌افروز جمهوری اسلامی فراهم می‌آورد، به تشدید نفوذ و حضور امپریالیسم آمریکا در منطقه و در خلیج فارس اقدام کند. رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی در این زمینه، بیشترین خدمت را به منافع غارتگرانه و اهداف مداخله‌گرانه امپریالیسم آمریکا می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنک، دهها هزار تن از فرزندان مردم را در آتش جنک خاکستر کرده و میکند، کارخانجات و موسسات اقتصادی، مزارع، شهرها، بنادر و ثروت‌های ملی میهن ما را بنابودی کشانده و می‌کشاند و با آتش افروزی در منطقه و دست زدن به ماجرا جوشی‌های نظامی، زمینه گسترش و تشدید جنک و هموار کردن راه مداخله امپریالیسم آمریکا بصد منافع و استقلال ملی ایران را هموار می‌کند. این رژیم درمانده در جنگ و گرفتار آمده در بن‌بست جبهه‌ها، درست همانند رژیم ضد مردمی عراق، برای سرپوش گذاشتن بر شکست و رسوائی همه اهداف ارتجاعی و نقشه‌های سیاسی و نظامی خود، آماده است تا بهر اقدام ماجراجویانه و ضد مردمی متوسل شود. کشتار نسل جوان و نابودی ایران برای رژیم جمهوری اسلامی و برای خمینی و دستیارانش " اصلا مهم نیست"

یاری کمونیست‌ها نیار دارند. کمونیست‌ها باید با کارگران اعتصابی تماس بگیرند، با آنها همفکری کنند. لزوم کار شدید سازمانگرا و توضیحگرانه را به کارگران یادآوری کنند. در جریان اعتصاب عوامل دشمن با هزار شگرد تخم شک و تردید در میان کارگران اعتصابی می‌پراکنند. پلیس اعتصاب‌گران را محاصره می‌کند و کوشش می‌کند با تهدید و ترغیب اعتصاب را بشکند. باید اقدامات دشمن مرتباً " خنثی کرد. بویژه باید حلقه محاصره دشمن را شکست. اعتصابگران باید بسراغ کارگران واحدها و کارخانه‌های دیگر بروند با آنها صحبت کنند و عدلی و همراهی آنها را کسب کنند. کمونیست‌ها بنوبه خود باید اعتصاب را به کارگران کارخانه‌های دیگر گزارش دهند. از آنها بخواهند که اعتصابگران را در برابر دشمن تنها نگذارند. توضیح دهند که شکست اعتصاب شکست خود آنها و پیروزی اعتصاب، محاصره دشمن است، که بدون عدلی و همیاری آنها با اعتصابگران شکست خواهد خورد، که اتحاد و همبستگی‌شان پوزه دشمن را بکاخ خواهد مالید، که مبارزه متحد کارگران شکست ناپذیر است. پیوند جنبش کارگری و کمونیستی در جریان عمل و مبارزه مشترك شکل میگیرد. با تمام نیرو و برای تقویت پیوندهای جنبش کمونیستی و کارگری مبارزه کنیم. از مبارزه کارگران فعالانه پشتیبانی کنیم و طبقه کارگر را برای متحد ساختن نیروهای یاری رسانیم"



اعدام فرزند مبارز خلق، رفیق احمد رضا شعاعی



در موج اعدامهای اخیر، رفیق احمد رضا شعاعی فرزند وفادار خلق، مبارز پرسابقه و کادر برجسته جنبش کمونیستی ایران، در سپیده دم ۲۸ شهریور ۶۴ با قامتی استوار در برابر جوخه تیرباران ایستاد و جان بر سر پیمان دبیرین خود با خلق ایران نهاد. در مهرماه سال ۱۳۵۰، بدنبال درگیری مسلحانه میان رفقای فدائی و مزدوران رژیم شاه خائن که طی آن رفیق مهنوش ابراهیمی و رفیق منوچهر بهائی پور به شهادت رسیدند، رفیق فدائی احمد رضا شعاعی بدست مزدوران ساواک دستگیر و پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه به ۱۰ سال زندان محکوم گردید. رفیق احمد رضا که از چهره‌های ارزنده مقاومت و پایمردی در زندان شاه خائن بود، همزمان با اوجگیری جنبش انقلابی مردم ایران و مبارزه سراسری برای آزادی زندانیان سیاسی در آذرماه ۵۷ از زندان شاه آزاد و به میان مردم بازگشت و دوشادوش توده‌ها علیه رژیم منغور پهلوی، جنگید. رفیق احمد رضا شعاعی با تجارب مبارزاتی، فعالیت انقلابی خود را در صفوف سازمان فدائی ادامه داد. در جریان انشعاب جناح چپ، رفیق احمد رضا شعاعی با جناح چپ همراه گشت و در ادامه فعالیت در مقام عضویت مشاور کمیته مرکزی جناح چپ قرار گرفت. رفیق شعاعی در دیماه ۶۲ بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در تهران دستگیر و در مسلخ اوین زیر شدیدترین شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفت. او به

دشمن خلق "نه" گفت و از آرمان انقلابی و اهداف شریف مردم میهن مردانه دفاع کرد. و سرانجام این مبارز پرسابقه و کادر ارزنده جنبش کمونیستی ایران، با قامتی استوار و سری سرفراز، بدست نرخیمان جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شد. جلاذ خلق برای ارباب مردم و سرکوب جنبش خون پاک فرزند دیگری از خلق ستمدیده را بر پای تپه‌های اوین بر زمین ریخت اما جنبش توده‌ای اوج می‌گیرد و خاطره عزیر احمد رضا شعاعی در قلب بزرگ خلق زنده می‌ماند.

بنا به اخبار در میان اسامی اعدام‌شدگان اخیر علاوه بر رفیق احمد رضا شعاعی، اسامی جمعی دیگر از کادرها و فعالین جنبش انقلابی و اعضای سازمانهای سیاسی نیز قرار دارد. رژیم جنایتکار از اعلام مشخص اسامی اعدام‌شدگان و محل دفن آنان خودداری میکند. شعر "پرواز" با یاد همه این شهدای میهن سروده شده است.

تجربه‌ای از مبارزه خانواده‌های زندانیان سیاسی

برنند این کارزار ارتجاعی بدون هیچگونه قانونی انجام می‌گرفت. اتهام مخالفین سیاسی به شیوه‌ای مخفیانه عملی می‌شد؛ مأموران مخفی و ماشین‌های شخصی بدون پلاک قربانیان خود را از اماکن عمومی و منازلشان می‌ربودند و این کار را غالباً شبها انجام می‌دادند. از ناپدید شدن دیگر خبری بگوش نمی‌رسید، اسم آنها در هیچیک از موسسات دولتی ثبت نمی‌گردید. وقتی خویشان قربانیان دنبال گمشدگان خود می‌رفتند همه دادگاه‌ها، بارداشتگاهها و زندان‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند. افراد ربوده شده بسادگی "ناپدید" می‌شدند و تقریباً هرگز خبری از آنها نمی‌شد. این یک برنامه از پیش طراحی شده بود که سری بودن مهم‌ترین خصیصه آن بشمار می‌رفت و برپایه آن هر فردی می‌توانست "ناپدید" شود. شمار دقیق ناپدید شدگان هرگز، بطور دقیق معلوم نشد چرا که هیچگونه حساب و کتابی در کار نبود و حتی کلهای کسانی که سراغ عزیزان خود می‌رفتند "ناپدید" می‌شدند.

برچنین زمینه‌ای بود که گروهی از مادران ناپدید شدگان و زندانیان سیاسی، که غالباً بیش از ۵۰ سال داشتند، شروع به فعالیت کردند. آنها ابتدا یکدیگر را در ادارات پلیس، بارداشتگاهها، دادستانی و ادارات ارتشی و در حالیکه جملگی

در اواسط آوریل ۱۹۸۵ "هفته فستیوال آمریکای لاتین" در لندن برگزار شد. در یکی از جلسات این کنفرانس زنان مبارزی از آرژانتین و السالوادور، از تجربه مبارزه خانواده‌ها و بویژه مادران زندانیان سیاسی سخن گفتند. رفقای نهاد هواداری سازمان در انگلستان که در این فستیوال شرکت داشتند علاوه بر تهیه گزارشی از بحث‌های این جلسه، مصاحبه‌هایی نیز با یک نماینده از آرژانتین و دو نماینده از السالوادور ترتیب داده‌اند تا بطور مشروحتری با این تجربه ارزشمند آشنا شوند. در اینجا ما براساس گزارش و مصاحبه‌های یاد شده شمه‌ای از این تجربه را در اختیار سازمان و جنبش انقلابی ایران قرار می‌دهیم. آرژانتین - زمینه سیاسی: پس از کودتای نظامیان در مارس ۱۹۷۶ ارتش پروسه به اصطلاح "تجدید سازماندهی ملی" را آغاز کرد که در واقع هدف آن این بود که اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشور، به قیمت تشدید فقر، و محرومیت اکثریت عظیم مردم، با منافع اقلیت استثمارگر داخلی و شرکای خارجی آنها سازگار شود. حکومت نظامی برای رسیدن به این هدف، قبل از هر چیز نابودی فعالین سیاسی مخالف و هر فرد دارای تعالیات رادیکال را در دستور کار خود قرار دادند تا بدین ترتیب جو ترور و ارباب را در میان مردم دامن

پرواز

از لحظه پریدن

یعنی

از لحظه فشردن پا بر خاک

که تن

چون قایقی جهنده

احساس می‌کند

بربال موج

یا بربال باد

باید سوار شود

تا اوج

که می‌پنداری

هر چه هست

در دورتر از تو

- آن پائین -

جا دارد،

تنها يك لحظه است.

اما

در آن

یا این لحظه

یکی می‌میرد

در خشکناهی کویرش

یا فرو می‌میرد

در مرداب دلش

یا

در احشایش

و یکی می‌ماند

با جهانی در دست‌هایش.

آه ای لحظه‌های پریدن

پرش!

تا انتهای جهان

ای هزار هزار لحظه‌های اوج

در خاک میهن من

ایران.

در جستجوی فرزندان خود بودند ملاقات کردند. آنها بکرات در جاهای مختلف چهره‌های آشنا را دیدند، ماجرای خود را برای یکدیگر تعریف کردند و در تماس با یکدیگر قرار گرفتند تا اینکه روزی یکی از مادران - که اکنون جزو ناپدید شدگان است - پیشنهاد کرد که جمعی از مادران که در آن زمان ۱۴ نفر بودند در میدان ۲۵ مه در مقابل کاخ ریاست جمهوری جمع شوند و تلاش کنند با ژنرال خورخه ویدالا، رئیس جمهوری وقت ملاقات کنند و بدین ترتیب نطفه "کمیته مادران میدان مه" بسته شد.

این ملاقات هرگز صورت نگرفت ولی پس از آن مادران ناپدید شدگان هر پنجشنبه در میدان مه گرد هم آمدند و با جستجو و پیدا کردن دیگر خانواده‌های زندانیان و ناپدید شدگان در محله‌هایی که اینها رفت و آمد داشتند، تلاش کردند با کار، سیورانه اعتماد تعداد بیشتری را به خود و حرکتشان جلب کنند. این حرکت بدوا در مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی انعکاسی نیافت و در میان توده مردم نیز منعکس نشد. دولت نیز ابتدا آنها را "زنان دیوانه" خطاب می‌کرد. اما وقتی هفته به هفته تعداد شرکت کنندگان در میدان زیادتر و حرکت وسیع‌تر شد، حکومت نظامی اعمال فشار و سرکوب را آغاز کرد و تعدادی از فعالین "ناپدید" شدند.

بقیه از صفحه ۱ وظایف و ساختار

گروه های هوادار سازمان

اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق میکوشد، اهمیت جدی دارد. بدون تردید مبارزاتی که هم اکنون این بخش از نیروهای سازمان به پیش میبرند، میتواند و باید در وحدت طبقه کارگر و زحمتکشان و نیز گسترش نفوذ توده‌ای سازمان موثرتر و کارآتر شود. برای این منظور چه باید کرد؟
رفقا و هواداران سازمان!

همانطوریکه خود مشاهده می‌کنید دوشادوش واحدهای پایه‌ای سازمان، گروههای هوادار سازمان در بعضی شهرهای ایران شکل گرفته و به فعالیت انقلابی پرداخته‌اند. بعضی از این گروههای هوادار با مرکز ارتباطات سازمان نیز رابطه گرفته و سطح فعالیت خود را ارتقاء داده و میدهند. واحدهای پایه‌ای سازمان بنا به مصالح حفظ و ادامه‌کاری سازمان فعلاً مجار نیستند و نمیتوانند برای سازماندهی مبارزه انقلابی شما اقدام کنند. بنابراین ضروری است شما نیز کار و فعالیت انقلابی خود را مستقلاً سازماندهی کرده و با ایجاد گروه هوادار فعالیت انقلابی خود را موثرتر و سازمان را در نبردش با رژیم فاسد خمینی و نظام منحط سرمایه‌داری حاکم قویتر کنید.

وظایف انقلابی هر گروه هوادار چیست؟ وظایف هر گروه هوادار بعنوان جزئی از سازمان، از هدف اصلی فعالیت و کار انقلابی سازمان در جنبش‌های کنونی کارگری و توده‌ای ناشی میشود. سازمان مأموم فعالیت‌های خود را معطوف به سازمانگری رهبری طبقه کارگر بر مبارزات طبقاتی جاری کرده است. در تحقق این هدف اصلی از جمله ضروری است به تبلیغات انقلابی و سازمانگری جنبشهای کارگری و توده‌ای در چارچوب طرح برنامه سازمان و براساس مواضع و رهنمودهای ارگان مرکزی اقدام شود. تبلیغات انقلابی و فعالیت سازمانگرانه جنبشهای توده‌ای باید بویژه درون کارگران صنایع اساسی یعنی صنعت نفت، صنایع فولاد و ذوب آهن، صنایع ماشین سازی، اتومبیل سازی، موسسات حمل و نقل، راه آهن، بنادر، نیروگاهها و ... متمرکز شوند.

همانطوریکه در نشریه "فدائی" در مورد تبلیغات انقلابی گفته‌ایم، مادر تبلیغات خویش به افشای رژیم مرتجع خمینی و نظام پوسیده سرمایه‌داری حاکم از یکسو و از سوی دیگر اشاعه اخبار و تجارب جنبش انقلابی و اعتراضی کارگران و مردم زحمتکش و بالاخره تبلیغ و توضیح اهداف و سیاستهای سازمان اقدام می‌کنیم. این فعالیت را با تکثیر و توزیع مخفیانه نشریه "فدائی"، اعلامیه‌ها و تراکتهای سازمان، انتشار اعلامیه‌ها و تراکتهای درباره موضوعات و مسائل محلی و یا شعارنویسی و چسباندن ورقه‌های چاپی و دست نوشته انجام میدهم. همپای اقدام به تبلیغات انقلابی، کار و فعالیت سازمانگرانه درون جنبش توده‌ای بخصوص جنبش کارگری بعنوان وظیفه‌ای تاخیرناپذیر در جهت تحقق هدف اصلی سازمان قرار دارد. این کار باید با ایجاد تشکلهای مخفی (که امروز عمدتاً بشکل هسته‌های مخفی کارگری، هسته‌های مخفی ضدجنگ و ... واقعیت هر چه

بیشتری می‌یابند) و شرکت در آنها، و یا تشکلهای علنی و نیم علنی نظیر تعاونیهای مسکن و مصرف صورت گیرد. ماز طریق سازمانگری توده‌ای یعنی ایجاد و شرکت در تشکلهایی که کانون عناصر پیشرو کارگران و توده‌ها هستند و بر زمینه فعالیت طبیعی این تشکلهای که تحقق اهداف صنفی و سیاسی مشخصی است، ضمن تقویت مبارزات جاری و نتیجتاً بهبود وضع فعلی کارگران و توده‌ها، روند رشد و تحول نیروهای پیشرو کارگران و توده‌ها را تسریع واز این طریق باجلب و جذب عناصر پیشرو جنبش توده‌ای به سازمان وحدت جنبش کارگری را ارتقاء داده و پیوند سازمان با طبقه کارگر و توده‌ها را گسترش میدهم.

بنابر آنچه گفته شد وظایفی که گروه هوادار میباید به انجام رساند و یا برای انجام آنها، آمادگی و امکانات خود را گسترش دهد عبارتند از:
۱ - ارگان سازمان را برای عناصر آگاه و مبارز بخصوص پیشروان جنبش کارگری و توده‌ای تکثیر و مخفیانه توزیع کند.

۲ - اعلامیه‌ها و تراکتهای سازمان را تکثیر و مخفیانه در محیطهای زندگی، کار و محل تردد کارگران و زحمتکشان توزیع کند.

۳ - اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان، اخبار سیاهکاریها و رسوایی‌های رژیم و بالاخره شعارهای سازمان را منتشر کند. در اجرای این وظیفه میتوان بیشترین استفاده را از دیوانویسی و ورقه‌های دست نوشته و ... بعمل آورد.

۴ - بنابه ضرورت‌های مشخص محل فعالیت، گروه هوادار اقدام به تهیه و توزیع اعلامیه و تراکت میکند.

۵ - با ایجاد تشکلهای مخفی و نیمه مخفی و احیاناً علنی کارگری و توده‌ای (یعنی هسته‌های مخفی کارگری، ضدجنگ و تعاونی‌های مصرف و مسکن) و شرکت در آنها نقشی فعال در حرکات اعتراضی کارگران و زحمتکشان ایفا کند.

۶ - تهیه اخبار و گزارشات خبری و سیاسی و ارسال سریع آن برای مرکز ارتباطات، وظیفه یکایک رفقای عضو و هوادار سازمان است. هر رفیق میبایست همواره چون خبرنگار "فدائی" عمل کرده و در این جهت کوشا باشد.

وظایف فوق را باید با توجه بشرايط ترور و خفقان دهنشانه‌ای که خمینی رژیم آدمکش او براه انداخته، انجام داد. بنا به ضرورت حفظ و ادامه کاری سازمان، معیار پایبندی هر گروه و رفیق هوادار به آرمانهای سازمان علاوه بر پیگیری در انجام وظایف انقلابی، پایداری در نحوه و روش انجام وظایف بر اساس اصول و ضوابط کار زیرزمینی می‌باشد. بسیاری از رفقای سازمان تا کنون خود تجربه کرده‌اند که هر جا که انجام وظایف انقلابی با پایداری مسئولانه بر اصول و روشهای کار مخفی همراه بوده، هر جا که در حین انجام وظایف سازمان، هوشیاری و قاطعیت انقلابی نسبت به پلیس سیاسی بکارگرفته‌شده، دستگاه عریض و طویل و ضدانسانی پلیس خمینی، زنک زده و بی‌خاصیت گشته‌است. تدارک امکان مقابله با تاکتیکهای پلیس خمینی بخصوص تاکتیک تعقیب و مراقبت و نفوذ آن، با آرایش و ساختار گروه

رابطه‌ای مستقیم دارد. اصلی‌ترین مسئله در زمینه ساختار، کمیت گروه است. گروه هوادار که میتواند با سه نفر عضو گروه بفعالیت، بپردازد نباید مجموعه اعضای آن از ۱۱ نفر تجاوز کند. گروه هوادار در شرایط حداکثر توسعه خود از یک کمیته سه‌نفره رهبری و دو حوزه تشکیل میشود. کار تدارکات و انتشارات گروه (که در غیاب امکانات ماشینی حتی میتواند در ابتدا تجهیزات چاپ دستی باشد) به دو رفیق از کل گروه سپرده میشود. گروه هوادار در چشم‌انداز توسعه اعضای خود و گسترش تعداد اعضا از حد مجاز، بسرعت به دو گروه تجزیه و هر یک بمشابه گروه مستقلی بدون ارتباط با هم به انجام وظایف در ارتباط با سازمانشان میپردازند. گروه هوادار مثل واحدهای سازمانی در حالیکه بیشترین روابط را با پیشروان جنبش کارگری و توده‌ای برقرار میسازد، از درآمیختگی و تشکیکی با گروههای هوادار و واحدهای دیگر سازمانی و یا سازمانهای سیاسی دیگر باید جدا دوری جسته تا این روابط منشاء ضربه نشوند. گروه باید در برقراری هر پیوند بخصوص پیوندهای تشکیلاتی خود با اعضا و عناصر جدید به ملاک آزمون در عمل توجه جدی بکند. راه نفوذ پلیس سیاسی به درون گروه را سد نماید.

برای ما روشن است بعضی از شما رفقا و هواداران، بین امکاناتتان و آنچه در بالا در زمینه وظایف و ساختار گروه هوادار ذکر شد، تناقضاتی مشاهده خواهید کرد. وضعیت شما از نظر موقعیت اجتماعی و نیز میزان آمادگی و امکانات یکسان نیست. پروضح است که با توجه به این تنوع نمیتوان انجام وظایف فوق‌الذکر را کاملاً یکسان از طرف گروههای مختلف انتظار داشت. اما در عین حال اینرا نیز نمی‌توان انتظار داشت که هر گروهی تنها بعد از توانایی انجام کلیت وظایف فوق، به فعالیت انقلابی بپردازد. همواره هر جنبش انقلابی و به تبع آن هر گروه و حتی هر عنصر انقلابی در حین اجرای وظایفی که امکانات امروز معین می‌کنند، به تامين امکان گسترش فعالیت انقلابی در آینده نیز توجه دارد. در پرتو کلیت وظایف فوق شما باید بر اساس امکانات آمادگی‌هایتان به وظایف امروز، بنحوی که در آینده گسترده‌تر فعالیت کنید بپردازید. ما در این زمینه، بعد از برقراری تماس شما با مرکز ارتباطات سازمان (که روش آنرا در شماره‌های قبلی نشریه "فدائی" درج کرده‌ایم) با شما بیشتر صحبت خواهیم کرد.

رفقا و هواداران سازمان!

گروه خود را سازمان دهید، مبارزه خود را با توجه به جهات فوق و امکاناتتان با مبارزه کل سازمان هماهنگتر کنید، با مرکز ارتباطات سازمان تماس بگیرید، باید از زره نره انرژی‌های موجود در تحقق وظایف انقلابی بهره‌گرفت. خیال مالیخو- لیایی رژیم آدمکش خمینی مبنی بر انهدام و محو جنبش انقلابی و سازمانهای رزمنده مردمان عیث است. ما به‌همراه کارگران و زحمتکشان وطنمان می‌خواهیم آزاد، سعادتمند و سربلند زندگی کنیم. ما مبارزه می‌کنیم. دشمن را به زانو درمی‌آوریم.

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

انقلاب در آفریقای جنوبی بار دیگر تاکتیک "انتقال آرام قدرت" ***

بر آن است که آمریکا باید این مسئله را روشن سازد که "می‌خواهد نتیجه رفرمها حقوق سیاسی برابر برای همه مردم آفریقای جنوبی باشد".

ویتاکر با ارائه راه‌ها

نمونه‌هایی اطمینان می‌دهد که می‌توان این "بازاری در حقوق سیاسی" را به امری صرفاً صوری و بی‌حسوس تبدیل کرد. روز شنبه ۲۱ سپتامبر در ژوهانسبورگ یک گروه به نام "اتحاد برای کنوانسیون" اعلام وجود کرد که بطور عمده از "حزب فدرال ترقی‌خواه" (جنحی از بورژوازی آفریقای جنوبی که در مقایسه با جناح دیگر "با فرهنگ" نامیده می‌شود) و طرفداران رئیس قبیله زولو که با رژیم نژادپرست همکاری می‌کند، تشکیل شده است. این گروه هدف خود را تلاش برای تصویب "قانون اساسی جدید" و فدرالیته کردن اعلام کرده است تا تحت این پوشش آپارتاید "مدرنیزه" شود.

۵- اعمال مجازات‌های شدیدتر، بگونه‌ای بدون فلج کردن رژیم آفریقای جنوبی، آن را در جهت اهداف این طرح سوق دهد.

۶- حفاظت از اقلیت سفیدپوست و منافع غرب. ویتاکر تاکید می‌ورزد که آمریکا "در عوض حمایت از مذاکره جدی و رفرم‌های یادشده، باید از رهبران سیاه اطمینان بگیرد که آنها در شرایط حکومت اکثریت، با اقلیت سفیدپوست منصفانه رفتار نمایند." ویتاکر برای تشریح منظور خود می‌گوید "یک مدل می‌تواند توافقنامه مجلس لانکاستر در سال ۱۹۷۹ درباره زیمبابوئه باشد که بر مبنای آن رهبران سیاه موافقت کردند که تعدادی کرسی تضمین شده برای سفیدپوستان در پارلمان در نظر بگیرند و زمین‌های سفیدپوستان را بدون بازپرداخت مناسب مصادره نکنند."! در زمینه سرمایه‌داران خارجی نیز همینطور!

این طرح بر آن است که با انجام اصلاحاتی در سطح، اساس نظام آپارتاید، اساس وابستگی به امپریالیسم و شالوده نظام سرمایه‌داری در آفریقای جنوبی، یعنی ریشه‌های فقر و ستم دیرینه بر اکثریت مردم این کشور را دست نخورده باقی گذارد. آشکار است که جنبش انقلابی مردم آفریقای جنوبی در حرکت روزمره خود بطلان چنین طرح‌هایی را نشان می‌دهند. رهبران این جنبش نیز بر این امر آگاهند که "آپارتاید اصلاح پذیر نیست، بلکه باید نابود گردد."

با این همه، تجربه تاریخی موید این است که برای ریشه‌کن کردن هر نوع ستم و استثمار، انقلابیون باید هشیاری و توانایی آن را داشته باشند که ضمن استفاده از تضادهای موجود در جبهه دشمن، ضمن بهره‌گیری از عقب‌نشینی‌های اجباری و مصلحتی آن، اهداف استراتژیک آزادی ملی و رهائی اجتماعی کامل را از نظر دور ندارند و مبارزه خود تا در هم شکستن پایه‌های سیاسی و اقتصادی طبقات استثمارگر داخلی و شرکای خارجی آنها و انتقال کامل قدرت بدست توده‌ها ادامه دهند. در چنین حالتی بناگرم محاسبات سیاستمداران بورژوازی و امپریالیسم "اشتباه" از آب در خواهد آمد چرا که بقول لنین "برای نیرویی که راه زوال را می‌پیماید محاسبه صحیح غیرممکن است."

علاوه بر مجازات‌هایی که در حال حاضر مورد بحث است، این امکان وجود دارد که یک رشته اقدامات شدیدتر مشخص کرد تا ایالات متحده با انجام آنها مواضع خود را در آفریقای جنوبی بهبود بخشد و بر نتیجه جنگ علیه آپارتاید تاثیر گذارد." (نیورویک، ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۵)

یکی دیگر از تحلیلگران نیورویک به نام مارک ویتاکر پا را از این نیر فراتر می‌گذارد و ریگان را به اتخاذ یک "سیاست دوراندیشانه در قبال آفریقای جنوبی" فرا می‌خواند. او می‌نویسد: "هم درس‌های تاریخ و هم نیروی ارقام دال بر این است که در آفریقای جنوبی، اکثریت سیاه‌پوست مالا به قدرت خواهد رسید... با توجه به این چشم انداز لازم است ایالات متحده، متحدان و سرمایه داران غربی تداریجا به این مسئله فکر بکنند که در مقیاس طولانی مدت برای حفظ منافع‌شان در شرایط حکومت اکثریت چه‌کار خواهند کرد. آنها همچنین باید این مسئله را سبک و سنگین بکنند که چگونه می‌توان به یک راه‌حل سیاسی دست یافت بگونه‌ای که مانع جنگ قطعی پرهزینه و خونین میان سیاهان و رژیم سفیدپوست بشود." ویتاکر درباره تصمیم دولت ریگان به اعمال مجازات‌های بسیار محدود اقتصادی به رژیم آفریقای جنوبی، که آنها تحت فشار اعتراضات مردم آمریکا و افکار عمومی جهان انجام گرفته و به اصطلاح سیاست "نخالت فعال" نامیده شده، می‌گوید: "دعوت ریگان به "نخالت فعال" نشان می‌دهد که او به بازاندیشی درباره سیاست‌اش پرداخته است. ولی او باید جلوتر برود. ایالات متحده، با در نظر داشتن محدودیت‌های خود در اعمال نفوذ بر سیر رویدادها... باید سیاست دوراندیشانه‌ای اتخاذ کند. این سیاست می‌بایست طوری طرح‌ریزی شود که ارزش‌های آمریکایی را منعکس کند و انتقال مسالمت‌آمیز به حکومت اکثریت را ترفیب نماید." مارک ویتاکر بر پایه این تحلیل، "دستور العملی" را به دولت آمریکا پیشنهاد می‌کند که رئوس آن بقرار زیر است:

۱- کنار گذاشتن سیاست "نخالت سازنده" ویتاکر توصیه می‌کند دولت آمریکا باید "روشن سازد که سیاست "نخالت فعال" فقط یک برجسب جدید نیست بلکه بمعنای فاصله گرفتن واقعی از سیاست "نخالت سازنده" است. تا سیاهان آفریقای جنوبی تصور کنند که آمریکا سیاست پشتیبانی همه‌جانبه از رژیم نژادپرست را کنار گذاشته است.

۲- حرکت جدی برای مذاکره با همه رهبران مردم سیاه‌پوست. "واشنگتن باید پرتوریا را برای مذاکره با رهبران سیاه تحت فشار قرار دهد." پیتر بوتلا تا کنون تنها با "رهبرانی" مذاکره کرده است که با رژیم نژادپرست همکاری می‌کنند. بیشتر این افراد روسای انتصابی بانئوستان‌ها هستند.

۳- افزایش فشار برای آزادی نلسون ماندلا تا او نتواند "از موقعیت‌اش بعنوان شهید سیاسی" سوءاستفاده کند، "هاله تقریباً افسانه‌ای از فراز سر او رخت بریندند و او در معرض آزمون سیاسی قرار گیرد.

۴- حمایت از شعار هر فرد یک رای. ویتاکر

درمیان محافل حاکمه ایالات متحده امریکا و احزاب جمهوریخواه و دموکرات که بطور نوبتی حفاظت از منافع مشتی صاحبان انحصارات را بعهد می‌گیرند، در مواجهه با هر انقلاب دوباره بحث طولانی و مفصلی به راه می‌افتد. اول - در جریان پیدایش و رشد شرایط انقلابی، یعنی زمانی که چشم‌انداز ادامه سلطه به روش سابق تیره و تارشد، محافل حاکمه آمریکا و کارشناسان سیاست خارجی آن به این بحث می‌پردازند که برای "انطباق با شرایط جدید"، برای "حفظ منافع اساسی" در این شرایط "چه می‌توان کرد؟"

دوم - پس از هر انقلاب، این بحث جای خود را به بحث دیگری می‌دهد: چه کسی و چه سیاستی باعث شکست آمریکا گردید؟ در این بحث که معمولاً "زیرعنوان افسانه‌ای" چه‌کسی پاتاگونیا را از دست داد" صورت می‌گیرد، هر کدام از طرفین دیگری را مسئول "اشتباه" و شکست قلمداد می‌کنند. مانمونه‌ای از این سیاست‌زاد در جریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تجربه کرده‌ایم. در آستانه انقلاب بهمن، در دوره‌ای که برای آمریکا معلوم شد که حفظ رژیم شاه و سلطنت بر سریر قدرت دیگر امکان‌پذیر نیست، آمریکا تاکتیکی را اتخاذ نمود که مضمون آن تلاش برای "آرام کردن تحولات" و "ترتیب انتقال آرام قدرت" بود. مطابق این تاکتیک، آمریکا با آگاهی بر اینکه "تنها الکتروناتو خمینی‌ایسم، کمونیسم است" و اینکه "جنبش اسلامی تنها گروه سازمان یافته بجز کمونیست‌هاست" (اسناد لانه جاسوسی، شماره ۴۷، متن انگلیسی، ص ۱۰۵)، سیاست خود را بر طرفداری از "راهم‌ل‌های مسالمت آمیز و منظم" (همان، شماره ۴۷، ص ۵۸) و انتقال آرام قدرت به ائتلافی از ارتش، لیبرال‌ها و رهبران مذهبی جنبش قرار داد. اما قیام مسلحانه خلق در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن که در ورای این چانه زدن‌ها مصالحه‌جویی‌ها و برخلاف آنها صورت گرفت در "ترتیبیاتی" که با توافق رهبری جنبش، لیبرال‌های کهنه‌کار و دولت آمریکا اتخاذ شده بود "اختلال" ایجاد کرد و این تاکتیک را با شکست نسبی مواجه نمود.

اینک با اوچگیری جنبش انقلابی در آفریقای جنوبی، برخی از کارشناسان و صاحب‌نظران دور اندیش آمریکا، نسخه دیگری از تاکتیک "انتقال آرام و مسالمت‌آمیز" حکومت را در انطباق با شرایط خاص این کشور پیشنهاد می‌کنند.

مجله آمریکایی نیورویک در گزارش ویژه‌ای درباره آفریقای جنوبی، اوضاع این کشور و سیاست دولت آمریکا در قبال آن را برپایه این دیدگاه مورد بررسی قرار داده است. نیورویک هشدار می‌دهد که ادامه جنگ داخلی در آفریقای جنوبی و گسترش آن، کنترل اوضاع را غیرممکن می‌سازد و نتایجی ببار می‌آورد که برای منافع آمریکا و غرب بیسیرین خسر را دارد. عده‌ای از گزارشگران این مجله، با انتقاد از سیاست "نخالت سازنده" ریگان (نامی جعلی برای سیاست حمایت کامل اقتصادی، سیاسی و نظامی از نظام آپارتاید و دولت آفریقای جنوبی) خاطر نشان می‌کنند که "غربی‌ها برای حفاظت از منافع مالی خود، ارزش‌های دموکراتیک (!؟) و مصالح استراتژیک خود در این کشور، به روش‌های جدیدی نیاز دارند. در واقع،

* در سرزمین ولایت فقیه *

● رئیس جمهور مکتبی، پیشرفتهای تکنولوژیک و سس مایونز مهرام

چهارم اینکه، بعلت قطع پرواز هواپیما شرکت‌های خارجی و اولویت نقل و انتقال حجاج توسط "هما" بخش دیگری موفق به شرکت در نمایشگاه نشدند. از جمله دو نفر از نمایندگان دو شرکت سوئیسی.

پنجم اینکه، بسیاری از شرکت‌های ایرانی که بخش عمده شرکت کنندگان را تشکیل میدادند، از عقد قرارداد فروش کالاهایی که ظاهراً خود در نمایشگاه عرضه کرده بودند خودداری کردند. به این دلیل ساده که مواد اولیه مورد نیاز تولید را نداشتند و اختیار ندارند و صرفاً برای حفظ ظاهر امر در نمایشگاه شرکت کرده‌اند. وبالآخره اینکه برای تأیید فرمایشات "امام‌عزیز" رئیس جمهور مکتبی و دیگر علما در باب پیشرفتهای حیرت‌انگیز فنی و اقتصادی که به برکت "انقلاب اسلامی حاصل آمده است، به بازدید کنندگان از نمایشگاه يك کارتن از محصولات مهرام محتوی دو عدد سس مایونز، دو عدد سس سالاد، دوشیشه ترشی و دو شیشه سس گوشت به قیمت ۱۱۰ تومان عرضه شد صف طویل ملت حاضر در صحنه برای خرید این محصول بدیع، شرکت کنندگان خارجی را از پیشرفتهای فنی و علمی جمهوری اسلامی غرق حیرت ساخت!

خلاصت علماء اسلامی در گسترش تکنیک یاوه سرائی شکفت انگیز است! اما قضیه بدین قرار بود:

اول اینکه، بعلت تغییر ناگهانی تاریخ برگزاری نمایشگاه عده‌ای از شرکت‌کنندگان سنتی آن حذف شدند.

دوم اینکه، بسیاری از کشورهای شرکت کننده بجای عرضه تکنولوژی درجدمعمول سالهای قبل، به نمایش تعدادی عکس و پوستر بسنده کردند! ظاهراً "علی‌رغم تمامی مخفی‌کاریهای خامنه‌ای، رفسنجانی و شرکا، همه از کم و کیف وضع اقتصادی رژیم باخبر شده‌اند و نمایشگاه را جدی نگرفتند سوم اینکه، امسال "دولت خدمتگزار" مقرر کرد که برخلاف سالهای قبل اجاره غرفه‌ها از نماینده شرکت‌های خارجی در ایران به ازر دریافت شود. در نتیجه شرکت‌های خارجی و شرکت‌های مختلف فضای غرفه‌های خود را به حدود يك ششم سالهای قبل تقلیل دادند، فکر بد نکنید! این صرفاً بخشی از "انتقال تجربه و دانش فنی" و "خلاصت دولتی ورشکسته است که بهر طریق در فکر تحصیل ازر است. از هر قدر هم که اندک باشد بالاخره ازر است!

بازدهمین نمایشگاه بین‌المللی تهران از ۱۰ تا ۲۱ شهریور برگزار شد. هرساله نمایشگاه از ۱۹ تا ۳۱ شهریور تشکیل میشود. امسال تاریخ برگزاری نمایشگاه تغییر داده شد. جالب آنکه موقعیکه از چندی قبل پوسترهای تبلیغی نمایشگاه چاپ و به در دیوار شهر چسبانده شده بود ظاهراً کسی از چنین تغییری مطلع نبوده است. و جالب‌تر اینکه گفته شد که علت تغییر تاریخ مصادف شدن

۲۰ تا ۳۰ شهریور با ماه محرم است! ظاهراً کسی پیشاپیش از چنین تقارن و تصادفی خبر نداشته است! اما در باب اینکه چرا نمایشگاه صنعتی و ماه محرم مانع‌الجمع‌اند؟ حتماً حکمتی دارد و علاقه‌مندان میتوانند در اینمورد از دفتر امام استفتاء کنند. در مراسم افتتاح، رئیس مرکز توسعه صادرات طی فرمایشاتش گفت "برگزاری بموقع این نمایشگاه و استقبال بی‌سابقه کشورهای مختلف نمایانگر ثبات اقتصادی جمهوری اسلامی است" سپس پیام رئیس جمهور مکتبی توسط میرسلیم قرائت شد. از جمله اینکه "۱۰۰۰ این نمایشگاه اکنون به برکت انقلاب اسلامی به محل مراسمی برای رشد خلاقیت‌ها و انتقال و تبادل تجربیات و دانش فنی تبدیل شده است... الحق که

● شتر با بارش گم شد!

خریداری شده با واسطگی سازمان کشتیرانی به اجاره کشتی‌های خارجی اقدام می‌کند. غالباً چنین کشتی‌هایی برای رد گم کردن، مسیر دورنراری را طی می‌کنند و در بنادر مختلفی در چهار گوشه دنیا لنگر می‌اندازند بارگیری می‌کنند و آخوسر در یکی از بنادر ایران محموله‌هایی را که نمی‌توان معلوم کرد از کدام گوشه دنیا بارگیری شده است، تخلیه می‌کنند. هفته گذشته بهنگام تخلیه بار یکی از این کشتی‌ها معلوم شده است که تعدادی ضد هواشی خرید شده توسط سپاه گم شده است! توصیه میشود که برادران سپاه و کمیته از این بیعت با مراقبت بیشتری رهگذران را بازرسی بدنی کنند!

نکشد و اگر ۱۰۰۰ سلاح‌ها و مهماتی که به چندین برابر قیمت اصلی آن خریداری شده است درجه‌ها دود میشود. سران جمهوری اسلامی همانقدر که در خریدن سلاح به چندین برابر قیمت از دلان بین‌المللی گشاده‌دستی از خود نشان میدهند همانقدر هم با بی مبالائی ثروت های ملی نسل امروز و نسل‌های آینده را با سرعت غارت می‌کنند و به قیمت ناچیز به جیب انحصارات و دلان بین المللی میریزند. در این زمینه آخرین شاهکار برادران گم شدن محموله فندهوائی سپاه در بندرعباس است! سپاه و ارتش برای حمل محموله‌های نظامی

خرید اسلحه حکایت جالبی است! در دلای و خرید اسلحه شبکه گسترده‌ای شرکت دارند و همه از "عمت‌جنک" مستفیض می‌شوند! از وزارت خارجه وزارت بازرگانی، وزارت نفت، سازمان کشتیرانی و برادر رفسنجانی، برادر خامنه‌ای، برادر طباطبائی برادر شیخ‌الاسلامی و برادر رضائی بگیر تا برادر یزدی و عسکراولادی. همه باید اسلحه بخرند! خرید اسلحه يك تکلیف شرعی است! و برای اینهمه خرید با دست و دل بازی رقم‌های افسانه‌ای پرداخت میشود، و بالاخره اگر مامور اعزامی به همراه چندان پول به چاک نزد، اگر دلال خارجی پول‌ها را بالا

● ستون دود!

برای سیک کردن بار غم و اندوه و عقده‌هایی که بر دلشان سنگینی میکرد، عرق سگی میخورند و مست میگردند و چاقو در هوا میچرخانند و نفس کش می‌طلبیند. سهامداران حزب‌اله، الحق ترکیب بدیعی از اشتیاق تخریب و عربده‌جویی اوباش جمشید را با ساده‌لوحی مذهبی جوانانی که از جلسات دعای کمیل شکار شده و برای یورش به "دشمن" تعلیم دیده‌اند را، بوجود آورده است. هربار که رو کم کنی و ارباب مخالفین برای امتیاز گرفتن و حل دعوا بر سر پست‌های نان و آبداز لازم می‌افتاد، به اشاره سردمداران نیروی پیاده و رزهی حزب‌اله در خیابانها به راه میافتد با روزه گوشخراش و آزار و اذیتش عذاب مردم‌رادو چندان می‌کند. باصطلاح "فشار از پایین" برای حل مطلب اختلاف در بالا. فعلاً چیزی که به حساب نمی‌آید مردم است.

حزب‌اله گول نیمخورد و مورا از ماست بیرون می‌کشد. چشم‌های تیربین حزب‌اله از فاصله صدمتری تشخیص میدهد که فلان خواهر شصت پایش درخطر دیداست. فرق نمی‌کند که مردم هزار بدبختی و گرفتاری دارند و این چیزها را نمی‌بینند. اینها مثبت است اما حزب‌اله که می‌بیند و تحریک میشود، صدالبته ساکت نمی‌نشیند!

هر وقت شاخه موتوری حزب‌اله در خیابانها به راه می‌افتد و عربده می‌کشد، مردم بخود می‌گویند قضیه باین سادگی ها نیست باز هم خبری شده است. باز هم طرفداری "نظم" و "قانون" و بزک کردن ظواهر حکومت اسلام و تکنوکراتهای طرفدار غرب، و طرفداران "حدیث" و "مکتب" و باز گشت به صدر اسلام و بازاریان محترم، از ناامیدی بجان هم افتاده‌اند. آخر زمین که سفت باشد گاوها به همدیگر شاخ میزنند! سابق بر این اوباش خیابان جمشید

ماه گذشته، یکبار دیگر حزب‌اله پیاده و سوار بر موتور مرکز سرفرماندهی عملیاتش را در میدان بلوار مستقر ساخت. حزب‌اله حاضر در صحنه در امتداد خیابان مصدق از میدان بلوار بسمت تجریش صف آرائی کرد و خانم‌های کم حجاب و بد حجاب این مسببین گزانی و فلاکت و جنگ و ورشکستگی اقتصادی، ویرانی و ناپودی تاسیسات و شهرهای کشور را مورد تاخت و تاز بی امان و کوبنده خود قرار داد. آخر جنگ، گزانی، بیکاری و رکود اقتصادی بسمان نیست، بمباران خارك و از بین رفتن امکان فروش وسیع ثروت ملی و تامین از برای احتیاجات. سرسام آور جبهه‌ها بسمان نیست، دعوی رئیس جمهور محترم و دولت خدمتگزار و مجلس و روحانیت عزیز بسمان نیست! آنوقت عده‌ای از خدا بی‌خبر یا کم‌حجابی و بدحجابی جوانان مردم را تحریک می‌کنند! اینها تظاهر به حجاب می‌کنند! اینها فراموش کرده‌اند که

سفره مرتضی علی و جنگ برادران

برادر عابدی از غیبت معاونش استفاده کرد و یکی از برادران سپاه پاسداران را به عنوان عضو هیات مدیره و بازرس به سازمان کشتی رانی اعزام کرد.

برادر اعزامی ابتدا با حدت و شدت و سرو صداتلاش کرد جاده را برای موفقیت ماموریتش هموار کند و از کم و کیف کارها در سازمان ملی کشتیرانی سررآورد اما تب و تابش بزودی در برابر ریشخند تکنوکرات های کارکشته سازمان کشتیرانی فرو نشست. سررآوردن از شبکه پیچیده سازمان کشتیرانی را بحال خود رها کرد. به میزی و اطاقی بسنده کرد و به ترتیب دادن جلسات سخنرانی و برگزاری نماز جماعت همت گماشت و مبارزه پیکار با توطئه بلججایی خانم ها را سازمان داد. پیکار دیگر "عدالت اسلامی" موقتا" بین فرستاده وزیر و شرکا از یکطرف و تکنوکراتها و حامیان معاون وزیر از طرف دیگر برقرار شد.

آن، کزیه مصاحب بابا از آن تو

وآن قاطر چموش لگزن از آن من

ولی جناح مخالف بعلت حساسیت نقش شبکه پیچیده سازمان کشتیرانی امکان دگرگونی آنرا یا حره سر و صدا و جنجال متصور نمیداند. برادر صوری نیز بنوبه خود از سهم کنونی اش بعنوان معاون وزیر بازرگانی و رئیس سازمان کشتیرانی راضی نیست و برای چنگ انداختن به موقعیت مهم ترو حساس تری در وزارت نفت خیز برداشته است.

وزیر، " برادر عابدی جعفری " است. تحصیل کرده امریکا است در رشته بازرگانی و معاون، برادر صوری است، معاون وزیر و رئیس سازمان کشتی رانی ملی ایران. برادر صوری با مشاور ضیاءالحق روابط بسیار مودت آمیزی دارد. گوگل، مشاور رئیس جمهوری کشور دوست و مسلمان پاکستان است و ایضا " از عوامل قدرتمند و دوستان صمیمی "سیا" در خاورمیانه.

ماه گذشته گوگل در راس هیاتی برای انعقاد قرارداد يك ميليارد دلاری بین وزارت بازرگانی و پاکستان به ایران آمده بود. برادر عابدی جعفری ظاهرا " از روابط مودت آمیز مذاکره کننده پاکستانی با جناح رقیب خشنود نیست. خوش ندارد حق دلالی به جیب پاکستانی ها ریخته شود. معامله يك ميليارد دلاری پیش بینی شده به رقم ۰۰۰میلیون دلار محدود شد که مقداری از آن نیز به شرط و مشروط و اما و اگر موکول گشته است و انتظار نمیرود حجم تبادل تا این سقف عملی گردد. گوگل از اقامت موقتش در ایران برای تجدید عهد و پیمان با برادر صوری بهره گرفت، با اسکورت به سازمان کشتی رانی ملی ایران رفت و با وی ملاقات و گفتگو کرد.

برادر صوری در حال حاضر برای گداورندن ایام مرخصی و صدا لیهته برای خرید اسلحه در انگلیس بسر می برد. برادر صوری در مقام معاونت وزارت و بازرگانی و رئیس سازمان کشتیرانی تا آنجا که می تواند در کار وزیر کارشکنی می کند و وزیر قدرت مقابله ندارد!

مبارزه جناحهای رقیب در حکومت اسلامی با زیگراکهای شدیدی توام است. رقباء شب و روز برای همدیگر نقشه های جورواجور میکشند، خنجر خود را برای یکدیگر تیز می کنند و فرصت مناسب را برای پیاده کردن نقشه های خود رصد می کنند. چشم دیدن هم را ندارند، دستشان برسد شکم همدیگر را میدرنند. رقا از همدیگر نفرت دارند و مردم از هر دو دسته منزجوند اینست که از وحشت مردم یکدیگر را تحمل می کنند. غنایم را با هم تقسیم می کنند اما همواره هر دو طرف از سهم خود ناراضی اند و زیر چشمی رقیب را می پابند و از خشم و حرص و حسد بخود می پیچند. این چنین است که صف آرائی جناح های رقیب در سراسر شبکه حکومتی گسترده تر شده است. هر جا که مواضع حساس تر و منافع مورد دعوا چرب تر است مبارزه بر سر چنگ انداختن بر مواضع کلیدی حادثر و سنگین تر است. به همین دلیل وزارت بازرگانی از نقاطی است که در آن جنگ قدرت برای تحکیم مواضع طرفین لاینقطع جریان داشته است. در اختیار گرفتن اهرم نیرومند وزارت بازرگانی و به تبع آن داشتن سهم شیر در دلالی، غارت و دزدیهای کلانی که در معاملات بزرگ با شرکت های خارجی موجود است، بر افروزنده جنگی تمام عیار بین دو جناح رقیب برای چنگ انداختن بر وزارت بازرگانی است. موازنه کنونی قوا مقدر کرده که وزیر بازرگانی از يك جناح و معاون وزیر از جناح مخالف باشد. معاونی که خط وزیر را در محدوده کارش نمی خواند و وزیری که بر معاونش کنترلی ندارد.

O.K. ولایت فقیه ا

میشوند، دوندگی جدیدی را برای بلیط خود آغاز میکنند. در بیشتر موارد تاریخ پرواز از قبل مشخص نیست. مسافری بخشی از ملت حاضر در صحنه هستند و باید همواره گوش بزنگ باشند. برای آنهایی هم که بلیط O.K. شده خود را در اختیار دارند ماجرا تمام نشده است. برای مسافرت از نیمه شب باید در صف نوبت پارکینگ فرودگاه بخوابند تا بتوانند به موقع وارد شده و بلیط خود را O.K. مجدد بکنند! فقیه عادل! همواره کسانی با بلیط O.K. زمین میانند. آخر ضرورتها بر حسب روز تغییر میکنند، همواره اشخاص واجد الشرايط و مستحق تری پیدا می شوند و ناگراینده ای حذف میشوند. خوان بعدی تشریفات مفصل کمرکی و تجسس های مختلف ضروری است. هواپیمایا در بهترین حالت با دو ساعت تاخیر از زمین بلند میشوند.

روزرو کنند. روزهای که با وسائل و امکانات عادی نمیتوان از قبل مشخصان کرد! آنان که بهر طریق با خبر شده اند از بعدظهر روز قبل در برابر دفتر " هما " صف میکشند تا روز بعد شانس خود را برای روزو جا بیازمایند. روز بعد یوم اله واقعی است. از سر و کول همدیگر بالا رفتن شروع میشود و با زدو خورد و تیراندازی هوایی کمیته می ها تمام میشود.

" هما " به لطایف الحیل شرکتهای رقیب را از سر راه برداشته است. تنها سوئیس ایر را به همکاری پذیرفته است. درواز چشم اغیار بلیط پروازش را باقیمت انحصاری عرضه میکند. تقاضای بسیار وسیع و عرضه محدود. بازار توصیه و کارچاقی کنی و کادودادن و کادو گرفتن بیداد میکند. آنهایی که بهر طریق بگرفتن بلیط موفق

حکایت مجاهدت هموطنان برای بدست آوردن بلیط پروارهای خارجی چیزی از داستان "جهانگردی برادران امیدوار" کم ندارد!

در جمهوری اسلامی هر کار فوت و فنی دارد. فوت و فنی که همپای افزایش متقاضیان پیچیده تر و متکاملتر میشود! مسافرت به خارج آئین خاص خود را دارد. برای آتانی که دستشان براحتی یا به زور، بدهانشان میرسد، گلر از هفت خوان اداره گلرنامه و گرفتن پاسپورت خود آغاز اکتشافات دیگر و ماجراهای دیگر است. سبزشدن مانع صعب العبورتر ویزا و بلیط مسافرت!

برای ملت حزباله هرروز یوم اله است، اما کامپیوتو شرکت هواپیمائی ملی ایران فقط و فقط در روزهای خاصی "نوگشائی" میشود. "نوگشائی" میشود تا مسافران آینده برای چنده ماه بعد جا

کشف حجاب ا

با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری مسابقه کشتی بصورت عادی و با تصاویری که از نزدیک صحنه مسابقه را نشان میداد، پخش شد. بدین ترتیب عواقم نیز متوجه بیججایی کشتی گیران شدند!

آنقدر از دور نشان داده میشد که میتوانستی همزمان تشک کشتی و دستگاه زمان سنج را که از سقف سالن آویزان است باهم ببینی. در نتیجه حجاب کشتی گیران تا حدودی حفظ میشد و بغیر از حرب الهی های باهوش کسی متوجه لخت بودن کشتی گیران نمیشد!

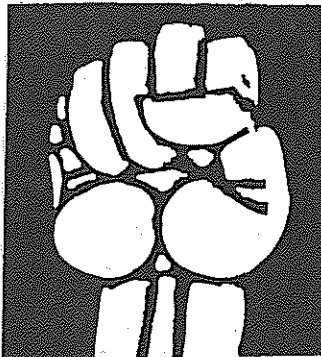
پیش از این، مسابقات کشتی روی صفحه تلویزیون بصورت يك كادر كوچك در كنار تصویر مجری برنامه ورزشی نشان داده میشد. در صحنه هایی که تمام صحنه تلویزیون به تصویر کشتی گیران اختصاص میافت، فیلمبردار با شگردی اسلامی مساله را تاجدودی حل میکرد بدین ترتیب که صحنه

را ادامه دادیم. در حالیکه تصاویر، عریضان زندانی و ناپدید شده خود را به گردن آویخته بودیم در خیابانها راهپیمائی کردیم. ماهانه مراسم بنسابت مرک اسقف رومرو برگزار نمودیم. در روزنامهها آگهی دادیم و مصاحبه کردیم.

در جریان این مبارزه از میان مادران نیز عده‌ای شکنجه شدند، به قتل رسیدند و یا ناپدید شدند. تا کنون در کشور ما بیش از ۶۰۰۰۰ هزار نفر کشته شده‌اند، بیش از ۶۰۰۰ نفر ناپدید شده‌اند و متجاوز از ۴۰۰ نفر زندانیان سیاسی وجود دارد. ما پنج سال است در شرایط حکومت نظامی بسر می‌بریم. با اینهمه شمار اعضای کمیته ما امروزه بسیار بیشتر شده است. کمیته ما در حال حاضر بیش از ۵۰۰ عضو دارد و علی‌رغم سرکوب شدید به مبارزه خود ادامه می‌دهد. در نوامبر ۱۹۸۳ ما به سوی سفارت آمریکا راهپیمائی کردیم. با شعار: صلح بست نشستیم و به سوی کلیساها راهپیمائی کردیم. ما بصورت گروهی به زندانها مراجعه می‌کنیم و خواهان اطلاعات از زندانیان یا ملاقات با آنها می‌شویم. ما مرتباً تقاضاهائی برای آزادی زندانیان سیاسی ارسال می‌کنیم و آزادی آنها را می‌خواهیم. جمع‌آوری اسناد و مدارک درباره زندانیان و ناپدید شدگان، نظاره‌ها برای آزادی مادران دستگیر شده، مسافرت به کشورهای خارج برای افشاکاری و مصاحبه با مطبوعات گوناگون از جمله فعالیت‌های دیگری است که کمیته ما انجام می‌دهد. همچنین مادران نوجوانانی که بزور توسط ارتش به جنگ علیه رزمندگان جبهه فارا بوندومارتی می‌شوند و یا نوجوانانی که در جریان جنگ توسط این جبهه اسیر می‌شوند به کمیته ما مراجعه می‌کنند.

"کمیته مادران زندانیان سیاسی و ناپدید شدگان" در سان‌سالوادور، پایتخت السالوادور دفتر دارد و تحت شرایط بسیار دشوار کار می‌کند. شعار کمیته درباره ناپدید شدگان این است: "عزیزان ما را زنده برده‌اید، ما آنها را زنده می‌خواهیم!" این کمیته برای ادامه فعالیتش تا کنون مصائب زیادی را از سرگذرانده و قربانی‌های نیز داده است. یکی از رزمندگان شرکت کننده در کنفرانس چهار جای گلوله در بدنش آثار شکنجه‌های متعدد و یک پستان بریده‌اش را بعنوان تنها یک مورد از جنایات رژیم نظامی السالوادور مثال زد.

جنبش انقلابی السالوادور با پیشروی پیروزمندانه خود انتقام این جنایات هولناک را از رژیم السالوادور و متحدان خارجی آن می‌گیرد. حمله رزمندگان فارابوندومارتی به زندان ماریونا و آزادی ۱۴۸ تن از زندانیان سیاسی که در ماه گذشته صورت گرفت، یکی از آخرین شواهد این حرکت ظفرنمون است. ●



در افشای چهره کثیف رژیم و آگاه کردن مردم ایفا کرد و شمار زیادی از آنها را به سوی مبارزه علیه آن سوق داد.

در سال ۱۹۸۴ بدنیال مبارزات گسترده مردم آرزانتین و تحت فشار توده‌ای حکومت نظامی خورخه ویلا برکنار شد و حکومت دیگری بریاست آلفونسین سر کار آمد. حکومت جدید بسیاری از مسئولین ناپدید شدگان و مرک هزاران تن از بهترین فرزندان خلق آرزانتین را - که اینک در آرزانتین و جهان به "جنگ کثیف" مشهور شده است - دستگیر کرد که زرتال ویلا و جمعی از نظامیان عالی‌رتبه نیز در میان آنها هستند. "کمیته مادران میدان مه" ابتدا امید زیادی به تحقق خواست‌هایش نظیر مشخص کردن وضع زندانیان و ناپدید شدگان و محاکمه عاملین جنایت داشت ولی تا کنون هیچکدام از این خواستها عملی نشده است چرا که دستگاه دولتی بلاتغییر مانده و ۹۰ درصد قضات نیز همانهایی هستند که بر جنایات حکومت نظامی مهر تأیید زده‌اند. لذا مادران زندانیان سیاسی و ناپدید شدگان مبارزه خود را در شرایط جدید ادامه می‌دهند. در ۲۱ مارس سال جاری ۵۰ هزار نفر از مردم بوئنوس آیرس در تظاهراتی بنام "در سال جوانان، به ناپدید شدگان یاری کنید!" شرکت کردند. یک میلیون نفر از ۸۰ کشور جهان به این فراخوان همبستگی پاسخ دادند. شرکت کنندگان در تظاهرات از جمله یاد اولین مادری را که پیشنهاد حرکت متشکل مادران را داد و خود به "ناپدید شدگان" پیوست، گرامی داشتند. السالوادور: "کمیته مادران زندانیان سیاسی و ناپدید شدگان" در سال ۱۹۷۷ تشکیل شد. در سراسر ۵۰ سال گذشته خلق ما همواره از ستم و استثمار شدیدی رنج برده است، ولی ما از سال ۱۹۷۷ راساً به دفاع از فرزندانمان بپا خاستیم زیرا از این مقطع به بعد سرکوب صورت بسیار وحشیانه‌تری پیدا کرد. تجربه ما در بسیاری از جوانب مشابه "کمیته مادران مه" آرزانتین است. مادرانی که کمیته ما را بنا نهادند دسته جمعی پیش اسقف اسکار آرنولفو رومرو رفتند تا با او درباره جریان قتل و سرکوب و "ناپدید شدن" فراینده مشورت کنند. اسقف رومرو که بعداً بخاطر سخنرانی‌های خود علیه اولیگارش و امپریالیسم و طرفداری از جنبش دموکراتیک، توسط دولت به قتل رسید به مادران توصیه کرد که کمیته‌ای تشکیل دهند و صدای منفردشان را در یک فریاد یکپارچه و نیرومند به هم پیوند دهند. به این ترتیب ما کمیته‌ای تشکیل دادیم که اهداف آن بقرار زیر بود: (۱) بازگشت زنده ناپدید شدگان، (۲) آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی، و (۳) مجازات مسئولین جنایات علیه زندانیان و ناپدید شدگان. ما از التماس و گریه به تنگ آمده بودیم. لذا تصمیم گرفتیم به خیابان‌ها برویم و خواهان پایان دادن به وضع موجود شویم. بدین منظور به حرکاتی نظیر بستن شینی، راهپیمائی، اعتصاب غذا در کلیساها دست زدیم. دولت در بدو امر حرکت ما را چندان جدی نگرفت و ما را یک مشت "ارواح سرگردان" نامید. وسایل ارتباط جمعی نیز از انتشار هر گونه خبری در این باره امتناع کردند. اما بتدریج سرکوب آغاز گردید و اوضاع دشوارتر شد. در سال ۱۹۸۰ اداره ما را بعب گذاری کردند و با خاک یکسام نمودند. ولی ما مبارزه‌مان

تجربهای از مبارزه... بقیه از صفحه ه
در ابتدای حرکت مشکلات بسیاری وجود داشت قبل از هر چیز این مسئله وجود داشت که جلب اعتماد مادرانی که فرزندانشان زندانی و ناپدید شده بودند پروسه کندی را طی می‌کرد زیرا مراجعین باید ثابت می‌کردند که جاسوس رژیم نیستند و این جز از طریق گسترش منظم روابط طبیعی امکان پذیر نبود. کارمن لاپاکو، یکی از بنیانگذاران "کمیته مادران میدان مه" در مصاحبه در پاسخ این سوال که آیا شما اشتباهاتی داشتید گفت "ما نیز مثل همه گروههایی که بطور خود انگیخته و بدون تکیه بر هیچ تجربه قبلی تشکیل می‌شوند اشتباهاتی داشتیم... ما همیشه مسائل کاملاً بلاواسطه را می‌دیدیم و حرکت‌مان را بطور روزمره و مطابق آنچه که دور و برمان می‌گذشت طرح‌ریزی می‌کردیم. رفقای ما همچنین از او سوال کردند "اگر فرضاً می‌خواستید کار را از آغاز شروع کنید از چه خطاهائی اجتناب می‌کردید؟ و یا چه توصیه برای گروههایی که بخواهند به اقدام مشابهی دست بزنند دارید؟" او گفت: "یک خطای ما این بود که در آغاز اساس فعالیت‌مان را به جای آنکه بر تقاضای خواست‌ها و اطلاعات مشخص قرار دهیم بر جلب ترحم و کمک ناشی از ترحم قرار دادیم. مسئله دیگر مربوط به زمانی است که پلیس سرکوب را شروع و عده‌ای از ما را در میدان دستگیر نمود." ما یاد گرفتیم باید تاکتیک‌های دشمن را در نظر بگیریم لذا "چند ماه در میدان جمع نشدیم جلساتمان را در کلیساها که کمابیش سالم‌تر بود برگزار کردیم و بعداً با بسیج نیروی بیشتره قوی‌تر به میدان آمدیم." علاوه بر این، آنها یاد گرفتند از طریق تماس با خبرنگاران خارجی و داخلی و سفر به کشورهای اروپائی و آمریکا و جلب حمایت سازمان‌های دموکراتیک آنها، از نیروی همبستگی بین‌المللی استفاده کنند.

"کمیته مادران میدان مه" به اشکال مختلفی از فعالیت نظیر حرکت جمعی در خیابان، مراجعه در روز و ساعت معین به ادارات پلیس و بازداشتگاهها، ایجاد صفهای طویل در جلوی "دادگاهها"، دادن شکوائیه‌های متعدد بطور همزمان، نوشتن شعار و گذاشتن اعلامیه در محل‌های مختلف نظیر کلیساها، رستوران‌ها و توالتها و پخش اخبار مربوط به زندانیان و ناپدید شدگان از این طریق و بصورت شفاهی دست می‌زد. این کمیته همچنین مطلبی تحت عنوان توجیهی "برای مطالعه در خانواده‌ها" پخش می‌کرد و از این طریق حقایق پشت پرده را فاش می‌ساخت. کارمن لاپاکو در پاسخ به این سوال که "علاوه بر علم و اراده‌تان، چه چیزی به شما اجازه داد علی‌رغم سرکوب شدید، در طول ۸ سال مبارزه‌تان را ادامه دهید؟" گفت: "یک جنبه مسئله به حفظ سازمان، ادامه سازماندهی و پیدا کردن اشکال جدید مبارزه و فعالیت مربوط است... اما اینکه ما چگونه دوام آوردیم باید گفت از طریق جلب حمایت توده‌ای... برای اینکه ما برای یک نتیجه روشن مبارزه می‌کردیم. ما برای خود زندگی مبارزه می‌نمودیم، لذا حمایت توده‌ای جلب کردیم. مردم بتدریج به میدان آمدند و در ابتدا حداقل برای تعاشا..."

جنبش مادران زندانیان سیاسی و ناپدید شدگان که ابتدا به بوئنوس آیرس، پایتخت کشور محدود می‌شد کم کم گسترده‌تر شد و شهرهای دیگر را نیز در برگرفت این حرکت نقش بسیار موثری

● کارگران کشت و صنعت کارون در معرض اخراج

کشت و صنعت کارون واقع در مسیر جاده دزفول - شوشتر با بیش از ۱۴۰۰۰ پرسنل یکی از بزرگترین مجتمع‌های کشت و صنعت در ایران است. مدیریت ضدکارگر کشت و صنعت تصمیم گرفته است نزدیک به ۵۰۰۰ نفر از کارگران و کارمندان را اخراج کند. مدیریت، بهانه این تصمیم ضدکارگری را تولید کم و سود کم عنوان کرده است. بدنبال طرح این مسئله، نگرانی از دست دادن شغل در میان ۱۴۰۰۰ پرسنل کشت و صنعت بوجود آمده و برداشته نرفت و ناراضی‌های کارگران افزوده شده است. مبارزه هماهنگ و دستجمعی کارگران علیه موج اخراجها و برای جلوگیری از بیکاری هزاران کارگر زحمتکش در سراسر ایران، باید در کاخانه‌ها و کارگاهها سازمان داده شود.

● کمبود مواد اولیه و وقفه در تولید

بعلت کمبود مواد اولیه، قطع برق و دیگر نارسائیه‌ها تولید کارخانجات مختلف، با وقفه و تعطیل مواجهه شده است. کارخانه‌های داروپخش و داروگز مدتی است که بعلت نبود مواد اولیه، تولید ندارند. در تاریخ ۶۴/۳/۱۲ قسمت ماشین سازی ایران خوروبدلایل نبود مواد اولیه، بعدت یکماه تعطیل شده. کارخانه کفش ملی نیز در تاریخ ۶۴/۴/۲۰ به علت کمبود مواد اولیه و قطع برق بعدت یکماه بدون پرداخت حقوق به کارگران دچار تعطیلی بود.

● اخراج کارگران ادامه دارد.

رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی که بار سنگین بحران اقتصادی و مشکلات مالی خود را بر دوش کارگران و زحمتکشان تحمیل میکند، همچنان بدلائل مختلف و از جمله "کمبود بودجه" است به اخراج دستجمعی کارگران میزند. در تاریخ ۶۴/۴/۱۴ نزدیک به ۲۴۰۰ نفر از کارگران رادیو تلویزیون که عمدتاً نیز از کارگران پیمانی بوده‌اند، بهمین بهانه کمبود بودجه اخراج شده‌اند همچنین در خورستان نیز حدود ۷۰۰ نفر از کارگران صنایع فولاد اهواز پس از چند ماه کار، اخراج شده‌اند.

● دزدی در گویا چوب

تعداد ۴۰ هزار تخته نشوپان، ۵۰ هزار تخته فیبر و ۴ هزار متر الوار در اتحادیه گویاچوب نرژیده شده است. مسئولان کارخانه برای سرپوش گذاشتن براین دزدی و حیف و میل عنوان کرده‌اند این وسایل "کم" شده‌اند و "علت" نیرهنوز ناروشن است! این دزدی "کوچک" در مقایسه با فساد، اختلاس و رشوه‌خواری که تار و پود همه دستگاههای رژیم را فرا گرفته مشتق است نمونه خروار.

● مبارزه با تبعیض در کارخانه

زیمنس شیراز

مدیریت برخی از کارخانه‌ها، تعدادی اتومبیل سهمیه‌ای پیکان از دولت دریافت و براساس قرعه‌کشی بین کارگران تقسیم می‌کنند. امسال رژیم ضدکارگر، برای تقسیم اتومبیل‌های سهمیه‌ای دستور جدیدی صادر کرده است که طبق آن، اتومبیل‌ها به کارگران "نمونه" داده شود. کارگر

"نمونه" طبق دستور جمهوری اسلامی، کارگری است که ۱ - به جبهه رفته باشد. ۲ - مکتبی باشد و ۳ - عضو یک نهاد اسلامی باشد. برطبق این دستور سهمیه اتومبیل‌ها که خود تلاشی برای تطمیع و فریب کارگران و انحراف توجه از پایمال شدن حقوق اساسی آنان است، عملاً "طعمه انجمنهای اسلامی" میشود. کارخانه زیمنس شیراز به این اقدام اعتراض کردند و دست از کار کشیدند. کارگران در ادامه اعتراضات خود موفق شدند اتومبیل‌های اهدائی به اعضای انجمن اسلامی را با زور باز پس بگیرند و مجدداً بر اساس قرعه کشی توزیع کنند.

● درگیری زحمتکشان علیشاه عموض شهری با مزدوران کمیته‌چی

روز اول مرداد ماه ۶۴ طبق معمول روزهای دیگر عده‌ای از کارگران و زحمتکشان علیشاه عموض در انتظار پیدا کردن کار و رفتن سر کارهای مختلف دور میدان اصلی شهر جمع شده بودند. در این هنگام ماشین کشت کمیته سر رسید و یکی از ماموران کمیته با اهانت و فحاشی به کارگران دستور داد که محل را ترک کنند. کارگران که در صورت ترک محل باید از پیدا کردن کار صرفنظر کنند، زیر بار حرف کمیته‌چی‌مزدور نرفتند و به آنها اعتراض کردند. در این موقع یکی دیگر از کمیته‌چی‌ها از ماشین پیاده شد و بقصد کتک‌زدن و دستگیری یکی از کارگران با او درگیر شد. کارگران دیگر بدفاع از همکار خود برخاستند و درهین کشمکش‌ها کمیته چی زیر مشت و لگد کارگران قرار گرفت. مزدوران دیگر از ماشین پیاده شدند و شروع به تیراندازی هواشی کردند و پس از چند لحظه نیز تفنگهایشان را بسمت کارگران پائین آوردند اما دیگر هیچ چیز جلوی خشم کارگران را نمی‌گرفت و پس از مدت کوتاهی که درگیری بشدت مغلوبه شده کمیته‌چی‌ها از زیر ضربات مشت و لگد و بیل و کلنگ کارگران فرار کردند و در حال فرار کارگران را تهدید به انتقام‌جویی میکردند. این برخورد مدتها نقل محافل مردم شده بود. کمیته‌چی‌ها روزهای بعد نیز جرئت نکردند به محل بیایند و زحمتکشان نیز در مبارزه خود بار دیگر موفقیت یکپارچگی و اتحاد را تجربه کردند.

● تاخیر در پرداخت حقوق کارگران

بنا بگفته نمایندگان کارگران صنایع فولاد، حقوق فروردین و اردیبهشت ماه کارگران با مشکلات فراوان پرداخت شده است و حقوق خردادماه و تیرماه کارگران تا اواخر مرداد ماه نیز پرداخت نشده بود.

● جنبش دانشجویی

رو به گسترش است.

فعالیت‌های سیاسی دانشجویان علیه رژیم ضلخلقی جمهوری اسلامی، علیه جنک، برای صلح و برای آزادی‌های سیاسی در سطح دانشگاه‌های کشور که از سال گذشته نمود یافت با تشدید اختلافات میان جناحهای رقیب در سطح دانشگاه‌ها، زمینه گسترش مناسب‌تری یافته است. انجمنهای اسلامی و دفاتر جهاد دانشگاهی باتمامی تهدیدات و اعمال فشار جهت به کنترل درآوردن دانشگاهها حداقل از لحاظ ظواهر اسلامی - عملاً در برخورد با دانشجویان و کارمندان با ناکامیهای بزرگی روبرو هستند. در طول نیمسال دوم سال تحصیلی ۶۴-۶۳ بارها اطلاعیه‌های تهدیدآمیز درمورد رعایت حجاب و موارین اسلامی و حتی اخطار در مورد اینکه "مانخواهیم گذاشت بار دیگر دانشکده‌ها یمان دموکراتیک شود"، از طرف انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهی صادر شد اما همزمان با این اخطارها شعارنویسی در دستشویی‌ها و توالتها و سرراه‌های عمومی بر علیه جنک و رژیم خمینی و برای برقراری صلح و آزادی در سطحی گسترده‌تر صورت گرفت. در حال حاضر این شعارنویسی‌ها در سطح تمامی دانشگاهها صورت میگردد. یکی دیگر از گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشجویی پخش اطلاعیه در خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران (کوی دانشگاه) است که مزدوران انجمن اسلامی را بشدت سراسیمه کرده است. آنان بشیرمانه به اطاقهای دانشجویان مختلف و در ساعت‌های مختلف هجوم میبرند و به بهانه های گوناگون، اطاقها را مورد تفتیش قرار میدهند. در نیمه اول تیرماه ۶۴، این تفتیشهای رذیلانه بیش از هر زمان دیگر صورت گرفت. اما علی‌رغم همه فشارها و هجومهای رژیم، جنبش دانشجویی ادامه دارد و همچنان رو به گسترش است.

● افزایش قیمت طلا

بعد از بیماریانها، اینبار مسئله انتخابات رئیس جمهوری همه چیز را به رکورد کشانده بود. در هفته آخر قبل از انتخابات فقط خرید و فروش طلا رونق داشت. قیمت سکه طلا با حدود ۴۰۰ تومان افزایش به ۴۴۰۰ ریال رسید و پس از انتخابات تا ۴۳۰۰ ریال سقوط کرد. حالا هم مسئله کابینه و نخست وزیر مطرح شده و باز فقط طلاست که تا ۴۵۰۰ هزار ریال بالا رفته است. با بمباران خارك و کاهش صدور نفت رکود بیشتری انتظار میرود.

برای صلح، علیه جنک، مبارز کنیم

هم میهنان: در بران ارتجاعی ضد خلقی دو رژیم متفرد عراق و ایران چون جادان قدر تاریخ همزمان بر لبه جنک می‌کوبند و در این میان فرزندان و برادران ما معتقد که ثوابتی مناس توصیه‌اللبانه آنان می‌شود.

هم میهنان مبارز: ما عین جنک تنها به سمت ما و قدرت متحد و متفکر ما متوقف میگردند، بسیار امید برای صلح و علیه جنک و جنک‌افروزان به مبارزه جدی و متحد برخیزیم.

طلوب انتظاراتی فدائی شهید بهروز طلمانی
معاون سازمان فدائیان خلق ایران

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران پیرامون

گستار دستجمعی زندانیان سیاسی

هم‌میهنان

در ماه گذشته بیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی دیگر در زندانهای اوین، قزلحصار و سایر زندانها، بدست رژیم جلاذ جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شده‌اند. ماموران زندان خانواده عده‌ای از زندانیان سیاسی را از اعدام بستگانشان مطلع ساخته‌اند و این درحالی است که ملاقاتهای معمولی عده بیشتری از زندانیان سیاسی که در خطر اعدام قرار داشته‌اند، قطع شده و تا کنون رژیم حاضر نشده است هیچگونه اطلاعی نسبت به سرنوشت آنها در اختیار خانواده‌هایشان قرار دهد.

مردم ایران و جهان!

هدها مبارز ایرانی تنها بجرم دفاع از استقلال و آزادی و عدالت در چند ماه گذشته اعدام شده و عده بیشتری در معرض اعدام هستند سکوت در برابر این جنایات، جلادان سنگدل را به ادامه جنایت ترغیب میکند، در حالی که هر فریاد اعتراضی به یقین میتواند به نجات جان زندانیان سیاسی کمک کند. در حمایت از زندانیان سیاسی ایران بهر طریق ممکن فریاد خود را علیه شکنجه و گستار و علیه رژیم جهل و جنایت بلند کنید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
دوم مهر ماه ۱۳۶۴

گرامی باد خاطره رفقای شهید مهرماه

- ★ چنگیز قبادی
- ★ محمد علی سالمی
- ★ سید نوزادی
- ★ مهنوش ابراهیمی
- ★ عادل قربانی
- ★ منوچهر بهانی‌پور
- ★ همایون کتیرائی
- ★ فرزین شریفی
- ★ حمیدرضا پریدار
- ★ بهرام طاهرزاده
- ★ ناصر مدنی
- ★ عبدالوهاب فلسفیان
- ★ فرشید فرجاد
- ★ هوشنگ ترکل
- ★ ناصر کریمی
- ★ حمید شبانی
- ★ محمدرضا گلشن



کمک مالی به سازمان فدائیان خلق ایران یک وظیفه انقلابی است

کلیه‌های مالی خود را به حساب زیر واریز نمایید
BANQUE C.L
N°: 85894 J
M^{me} FERESHTEH. F
AGENCE 461
PARIS FRANCE

با ما مکاتبه کنید!

KAR BOX 7082
S-17107 SOLNA
SWEDEN

O.I.P.F.
P.O. BOX 516
LONDON SW9,9JW
ENGLAND

پیام "بهار"
نام ۷ دریافت شد فقط خط اول آن خوانا بود، آدرس همراه آن بدون تغییر، اواخر مرداد مورد استفاده قرار گرفت.
هـ ۱۵ رسید، ۱۳ را تصادفا دیدیم، ضروریست
۴۰۹ جای ۴۰۵ را بگیرد.

انتخابات ریاست جمهوری، شکست بزرگ رژیم

گزارش زیر، مشاهدات شخصی رفیقی است که طی نامه‌ای برای ارگان "فدائی" ارسال داشته است. نامه دریافتی عیناً نقل میشود:

"انتخابات ریاست جمهوری را میتوان یکی از بزرگترین شکستهای رژیم دانست. تمامی نیرنگها و تهدیدهای متداول دیگر اثری نداشت. تبلیغاتی که واقعا "کرکننده بود نتوانست به رژیم کمک کند. از هفته‌ها قبل، برای مردم روشن بود که نتیجه چه میشود و بهمین خاطر در تاکسی، اتوبوس و در تمامی اماکن عمومی مساله به طنز و مسخرکشیده شده بود. پاره کردن عکس گاندیدها در سطح وسیعی انجام میشد. باید بگویم که فعالیت سیاسی نیز بیشتر شده بود. مشاهدات مشخص خودم، پخش تراکت‌هایی بود که در خیابانهای باقرخان، طالقانی و خوش، صورت گرفت. یک مورد نیز پخش تراکت از روی سقف یک اتوبوس در حال حرکت در خیابان مصدق دیدم. در تمامی این موارد، مردم باحالتی توأم با رغبت تراکتها را برداشته و یا از روی زمین میخواندند و همواره عده‌ای حزب‌اللهی سراسیمه از دست مردم قاپ زده و یا از روی زمین جمع میکردند. صدای تیراندازی در این روزها عادی شده بود و ماموران رژیم بصورت‌های مختلف در خیابانها مراقب اوضاع بودند، گشت شبانه شدت گرفته بود. برخی از جاده‌های فرعی شهرستانهای اطراف تهران، شب قبل از انتخابات بسته شده بود. صبح روز جمعه نیز چندمورد صدای تیراندازی هوایی شنیده شد. حوزه‌های رایگیری در شمال و جنوب تهران و دیگر قسمتهای شهر، در طول روز جمعه هیچگاه بخود، صف و ازحامی را ندیدم. صندوقهای رایگیری شدیداً "محافظت میشد. یکی از ناظرین شورای نگهبان در یکی از روستاهای اطراف تهران میگفت "دفعات قبل معمولاً ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ شرکت کننده داشتیم ولی ایندفعه به ۴۰۰ نیز نرسید و اکثراً "پیرمرد و پیرزنهایی بودند

که سواد خواندن و نوشتن نداشتند و حتی نمیدانستند برای چه آمده‌اند. نمیدانم چطور شده بود که از جوانها در طول روز در روستا خبری نبود. وقتی هم از رادیو اعلام کردند مدت رای گیری تعدیل شده اعصابم خرد شده بود چون مدتها بود که دیگر کسی نمی‌آمد رای بدهد و تا ساعت ۹ الکی نشسته بودم. بچه‌های دیگر نیز خیلی ناراحت بودند از اینکه چرا تعداد رای دهندگان کم است؟"

مشاهدات شخصی خودم که روز جمعه به حوزه‌های مختلف رایگیری سرزدم بدین ترتیب است که مینویسم. صبح روز جمعه، حوزه اخذرای در فرودگاه مهرآباد، در طول مدت ۲۰ دقیقه که شاهد بودم فقط ۱ رای دهنده داشت. حوزه میدان آزادی که شدیداً "محافظت میشد سه نفر رای دهنده را دیدم. عصر جمعه حوزه‌ای در خیابان نظام‌آباد شمالی با بالغ بر ۱۰ نفر محافظ صندوق و پاسدار و مامور شهرستانی فقط ۱ رای دهنده داشت. در ساعت ۴/۵ بعدازظهر در مسجد امام حسین که ۷ صندوق گذاشته بودند غیر از مامورین صندوقها، بالغ بر ۲۰ نفر محافظ وجود داشت و خیابان مجاور (خیابان آستانه) را بسته بودند. در این حوزه جلوی چند تا از صندوقها ۲ تا ۳ نفر را دیدم و جلوی ۳ صندوق هم کاملاً خالی بود در ساعت ۶ بعدازظهر در حوزه خیابان سیروس با بیش از ۱۰ مامور محافظ دو نفر شرکت کننده حضور داشتند. در ساعت ۱۲/۵ در حوزه خیابان عباس‌آباد که با ۸ مامور شهرستانی و چند مامور لباس شخصی محافظت میشد ۳ نفر شرکت کننده را مشاهده کردم. مجموعاً تعداد صندوقها به مراتب کمتر از دفعات قبل بوده و این امر در خیابانهای شلوغ و عرض‌تر مثل بزرگراه رسالت کاملاً مشخص بود. تهران در جمعه رایگیری بسیار خلوت بوده و از شهرهای رشت، شهریار، کرج، دماوند و اندیمشک نیز خبرهای مشابهی داشتم!"

پیش بسوی تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران